

فصل چهارم

نام‌ها و یادها

(درس هشتم ، درس نهم ، درس دهم)

شعرخوانی ، روان‌خوانی

درس هشتم : نصیحت امام (ره)

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر و گسترده تر با مشاهیر بزرگ دینی و مذهبی
- ۲- آشنایی با مفاهیم اخلاقی «تواضع» و نصیحت پذیری
- ۳- تقویت و تثبیت رفتارهای پسندیده
- ۴- آشنایی با جایگاه عاطفی رهبر
- ۵- تقویت توانایی اظهارنظر درباره پیام‌های درس
- ۶- آشنایی بیشتر با مسند در زبان فارسی
- ۷- آشنایی با «نامه نوشتن» به عنوان یکی از راه‌های ارتباط با دیگران.

روش‌های پیشنهادی تدریس

- این درس را با روش‌های گوناگون مثل کارآیی گروه و تدریس اعضای گروه می‌توان آموزش داد. اگر این درس به روش تدریس اعضای گروه آموزش داده شود، مراحل زیر اعمال خواهد شد :
- ۱- ابتدا دانش‌آموزان به گروه‌های سه نفری تقسیم و به شماره‌های ۱، ۲ و ۳ نام‌گذاری می‌شوند.
 - ۲- درس را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم :

الف) نصیحت امام (ره)

ب) شوق خواندن

پ) دانش‌های زبانی و ادبی

۳- هردانش آموز در گروه اولیه خود، قسمت تعیین شده را مطالعه می‌کند.

۴- سپس شماره‌های ۱، ۲ و ۳ هر یک گروه‌های جدیدی را تشکیل می‌دهند و راجع به مطالبی که خوانده‌اند، بحث و گفت‌وگو می‌کنند، یعنی شماره‌های یک در یک گروه، شماره‌های دو در یک گروه و شماره‌های سه در گروه دیگر قرار می‌گیرند.

۵- در مرحله بعد معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد به گروه‌های اول خود برگردند.

۶- به ترتیب هر فرد مطلبی را که خوانده است، برای دیگران توضیح می‌دهد.

۷- پس از توضیح هر دانش‌آموز، دانش‌آموزان گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

۸- در آخرین مرحله معلم از هر گروه یک نفر را انتخاب می‌کند تا مفهوم کلی درس را بیان کند.

۹- سپس به مرحله ارزشیابی می‌رسد. سؤالات یا به صورت کتبی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد یا معلم آن را به صورت شفاهی برای کل کلاس مطرح می‌کند. اگر سؤالات به صورت شفاهی مطرح شود، به شیوه‌های زیر می‌توان عمل کرد:

الف) افراد هر گروه ابتدا به صورت فردی به سؤال فکر می‌کنند و پاسخ می‌دهند.

ب) افراد در گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، سپس یک نفر پاسخ را بیان می‌کند.

سؤالات مطرح شده می‌تواند همان «خودارزیابی» باشد. پاسخ‌ها ممکن است یکسان باشد.

نکات مهم متن نصیحت امام (ره)

از متن نامه امام به مفاهیم ارزشمندی دست می‌یابیم که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- عمل کردن به وظایف اسلامی

۲- اخلاق نیکو داشتن

۳- شاد و بانشاط بودن «هنگام درس خواندن»

۴- اطاعت از پدر و مادر

۵- غنیمت شمردن فرصت در جلب رضایت پدر و مادر

۶- احترام فراوان به معلم

۷- مفید بودن برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشور

نکته‌های مهم متن «شوق خواندن»

در این متن به ویژگی‌های خاص علامه محمدتقی جعفری در دوران کودکی و نوجوانی اشاره شده است.

- ۱- کنجکاو و دقیق بودن
 - ۲- نگرستن و اندیشیدن به جلوه‌های طبیعت
 - ۳- لذت بردن از دریافت زیبایی‌های جهان هستی
 - ۴- علاقه وافر به مدرسه، کلاس و درس خواندن
 - ۵- به آرامش رسیدن با زیارت حرم حضرت معصومه (س)
- در اشاره به نکته‌های درس می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد و از آنها خواست که به این موارد اشاره کنند.

دانش‌های زبانی و ادبی

- نکته دوم؛ نامه نوشتن: این قسمت را می‌توان مبتنی بر روش روشن سازی طرز تلقی آموزش داد.
- ۱- با طرح یک پرسش: «در نوشتن نامه به چه نکاتی باید توجه کرد؟» پاسخ‌های دانش‌آموزان را بدون داوری بر تابلوی کلاس می‌نویسیم.
 - ۲- از دانش‌آموزان می‌خواهیم پاسخ‌ها را درجه بندی کنند (با نظرخواهی شفاهی)
 - ۳- مدیر یادگیری به عنوان هدایتگر، تلقی‌های درست و مرتبط با درس را به فهرست تابلو اضافه می‌کند.
 - ۴- پس از بحث و گفت‌وگو درباره تلقی‌های مختلف، جمع بندی براساس آموزه‌های کتاب انجام می‌گیرد و مطالب کتاب با شیوه صامت خوانی یا با صدای بلند توسط یک دانش‌آموز خوانده می‌شود.

اطلاعات کمکی

امام خمینی (ره): امام خمینی در سال ۱۲۸۱ (ه. ش) در شهرستان خمین به دنیا آمد. در طول زندگی ۸۷ ساله خود انقلابی بر پا کرد که نه تنها سرنوشت ایران را به کلی تغییر داد، بلکه در همه کشورهای اسلامی و همه جهان تأثیر نهاد. پنج ماهه بود که پدرش حاج آقا مصطفی به دست یکی از خان‌های زورگوی خمین به شهادت رسید و از آن پس مادر مهربان و عمه گرامی‌اش سرپرستی او را به عهده گرفتند. در شش سالگی به مکتب رفت و در هفت سالگی توانست قرآن را ختم کند.

روزها و ماه‌ها و سال‌ها گذشت. روح الله از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی رسید. او که مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخته بود، برای تحصیل به اراک رفت تا علوم اسلامی را در محیطی بزرگ تر از استادانی دانشمند فرا گیرد. در اراک روح الله جوان به خدمت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رسید و تقریباً همزمان با تأسیس این حوزه علمیه در فاصله کمی از قم، در تهران، دولت استعمارگر انگلیس توانسته بود سلسله پادشاهی جدیدی به نام سلسله پهلوی تأسیس کند و فرد بی سواد و زورگویی به نام رضاخان را به سلطنت برساند.

از سال ۱۲۹۹ هجری شمسی که رضاخان در ایران با یک کودتا به قدرت رسید تا سال ۱۳۵۷ که تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی است، نفوذ و دخالت دشمنان بیگانه در کشور ما روز به روز بیشتر شد.

در این سال‌ها، آیت الله حاج آقا روح الله خمینی پس از تحصیل طولانی در حوزه علمیه قم، مجتهدی دانشمند شده بود که با گفتار و رفتار خود به دیگران درس دینداری و اخلاق می‌داد. پس از آنکه آیت الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ درگذشت، بسیاری از علما و روحانیون، آیت الله خمینی را به مرجعیت انتخاب کردند. امام (ره) در سال ۱۳۴۲ مبارزه آشکار و سخت خود را در مقابل شاه و بیگانگان آغاز کرد و مردم ایران که فریاد ایشان را حرف دل خود می‌دانستند، با طرفداری و اطاعت از ایشان، مخالفت خود را با حکومت سلطنتی نشان دادند. شاه در پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ آیت الله خمینی، رهبر نهضت اسلامی ایران را دستگیر و زندانی کرد. مردم در تهران، قم، شیراز و مشهد تظاهرات کردند؛ اما مأموران شاه آنها را به گلوله بستند و بسیاری در این حادثه شهید شدند. آیت الله خمینی مدتی بعد از زندان آزاد شد؛ اما دست از مبارزه برنداشت. حکومت شاه در روز سیزدهم آبان ۱۳۴۲ ایشان را از ایران به ترکیه و بعداً به شهر نجف در کشور عراق تبعید کرد. آیت الله خمینی تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر آنکه در حوزه علمیه نجف به تدریس و تألیف کتاب پرداخت، پرچم مبارزه با شاه و کشورهای استعمارگر و مخصوصاً آمریکا را که از شاه حمایت می‌کردند، برافراشته نگاه داشت.

در سال ۱۳۵۶، فرزند برومند ایشان حاج آقا مصطفی خمینی، در نجف به دست مأموران شاه به شهادت رسید. حکومت عراق به درخواست شاه، اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد و ایشان ناچار به پاریس رفت و از آنجا نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ مبدل شده بود، رهبری کرد.

مردم در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ فداکاری بسیار کردند و سرانجام پس از آنکه هزاران زن و مرد مسلمان و انقلابی به دست مزدوران شاه به شهادت رسیدند، انقلاب اسلامی به پیروزی نزدیک

شد. شاه در دی ماه ۱۳۵۷ از ایران فرار کرد و امام خمینی (ره) روز دوازدهم بهمن پس از پانزده سال دوری از وطن با استقبال باشکوه و عظیم مردم به میهن بازگشت. ده روز بعد، یعنی در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷، مردم ایران، انقلاب اسلامی خود را به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رساندند. نظام سلطنتی واژگون و جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد.

امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب، بیش از ده سال رهبری کشور را برعهده داشت. ایشان افزون بر رهبری امت و مشغله‌های فراوان سیاسی، از فرهنگ و ادبیات و عرفان اسلامی نیز بهره‌ها داشت. آثاری که از امام خمینی (ره) بر جای مانده است، گویای مراتب عالی فضل و کمال ایشان در این بهنه است. دیوان شعر امام نیز پس از رحلت ایشان منتشر شده است. امام خمینی سرانجام در شب چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ دار فانی را وداع گفت. او به اصلاح اخلاق و معنویت و زندگی اجتماعی و امور دنیای مردم اهمیت بسیار می‌داد.

درس نهم: کلاس ادبیات، مرواریدی در صدف، زندگی حسابی و فرزند انقلاب

اهداف آموزشی

کلاس ادبیات

- ۱- آشنایی با نیما به عنوان پدر شعر نو
- ۲- آشنایی با نظام وفا استاد و مشوق نیما
- ۳- آشنایی مختصر با ویکتور هوگو «یکی از چهره‌های درخشان ادبیات جهان»
- ۴- شناخت مختصر نظامی، شاعر مشهور قرن ششم

مرواریدی در صدف

- ۱- آشنایی بیشتر با دوران کودکی و نوجوانی پروین اعتصامی
- ۲- آشنایی ضمنی با شاعران برجسته ایران «فردوسی، مولوی، ناصر خسرو و محمدحسین

شهریار»

- ۳- آشنایی با نمونه‌ای از شعر ۱۲ سالگی پروین
- ۴- آشنایی با قالب شعری قطعه

زندگی حسابی

- ۱- آشنایی با زندگی دانشمند بزرگ ایران «پروفسور حسابی»
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی ارزشمند دکتر حسابی
- ۳- تقویت حس وطن دوستی و فرهنگ و ادب فارسی
- ۴- تشویق به تلاش و کوشش در راه استقلال کشور
- ۵- تشویق به انجام واجبات دینی و انس با قرآن

فرزند انقلاب

- ۱- آشنایی با یکی از چهره‌های برجسته و موفق علمی انقلابی معاصر «دکتر سعید کاظمی آشتیانی»
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی دکتر سعید کاظمی آشتیانی
- ۳- تقویت علاقه نسبت به فراگیری علوم جدید

تدریس اعضای گروه

مراحل اجرا

- ۱- تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های ۴ نفری و نام‌گذاری هر گروه به نیمی، پروین اعتصامی، دکتر حسابی و دکتر کاظمی‌آشتیانی
- ۲- مطالعه فردی
- ۳- اعضای گروه به همتایان خود در گروه‌های ۴ نفری می‌پیوندند و در مورد قسمتی که باید تدریس شود، تبادل نظر می‌کنند.
- ۴- اعضا به گروه اولیه خود برمی‌گردند و هر عضو به نوبت بخش مربوط به خود را تدریس می‌کند.
- ۵- آزمونی از کل درس گرفته شود (این آزمون از قبل آماده می‌شود) و دانش‌آموزان جواب فردی خود را می‌نویسند.
- ۶- برای رسیدن به پاسخ‌های مشترک تیمی به بحث و بررسی سؤالات می‌پردازند و پاسخ‌ها در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد (معلم پاسخ‌ها را یا به صورت شفاهی یا کتبی ارائه می‌دهد). آنان آزمونشان را نمره می‌دهند و معدل فردی و معدل گروهی را محاسبه می‌کنند.
- ۷- در پایان از فراگیران جهت جمع‌بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزشیابی نهایی، پرسش‌هایی می‌شود.

روش پیشنهادی درس نهم - کلاس ادبیات

روش اجرای نمایش می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش مناسب باشد، به کار رود. در این روش، فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند.

در اینجا اجرای نمایش به مهارت‌های خاص هنری مانند تئاتر و سینما نیازی ندارد؛ بلکه معلم بنا به موقعیت، هدف و موضوع مورد نظر به عنوان یک روش آموزشی از آن استفاده می‌کند.

از ویژگی‌های ممتاز روش نمایشی این است که دانش‌آموزان با ایفاگران نقش، ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند؛ با هیجان دوستان خود را در نقش‌های جدید می‌بینند و خود را در صحنه احساس می‌کنند و چون تمام حواس دانش‌آموزان برای مشاهده نمایش به کار گرفته می‌شود، عمل یادگیری نیز انجام می‌گیرد.

در این روش تدریس، معلم، برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی برنامه نمایشی را به عهده می‌گیرد و در حقیقت کارگردان نمایش است و سایر دانش‌آموزان جزء مشاهده‌کنندگان به حساب می‌آیند.

مراحل تدریس اجرای نمایش

مرحله اول (انتخاب بازیگران) : معلم ابتدا تعداد شخصیت‌هایی را که در متن کتاب به آنها اشاره شده است، مشخص می‌کند. سپس به انتخاب بازیگران می‌پردازد. در این روش نیاز نیست که بازیگران حتماً متن را حفظ کنند بلکه با مشخص کردن متن مربوط به هر نقش، بازیگر باید بتواند از عهده خوانش مناسب متن برآید. انتخاب خوانشگران از چند اصل پیروی می‌کند. خوانشگر خوب باید بتواند عاری از استرس باشد و به نقشی که به وی داده می‌شود، علاقه داشته باشد. به عبارتی دیگر باید دانش‌آموزانی را برگزید که انگیزه خاصی برای اجرای نقش خود داشته باشند. به عنوان مثال خوانشگر نقش معلم (نظام وفا) لازم است با لحنی فخیم و مهربان جمله‌های مربوط به وی را قرائت کند و خوانشگر نقش نیما باید دارای لحنی ساده، صمیمی و خجول و در عین حال پرنگیزه باشد. راوی نیز متن مربوط به خود را با لحنی نرم و ملایم و با متانت قرائت می‌کند تا دانش‌آموزان در فضای کامل متن قرار گیرند.

مرحله دوم (آماده سازی) : در این مرحله تلاش می‌کنیم دانش‌آموزانی را که برای خوانش نقش‌ها برگزیده‌ایم، آماده کنیم. برای آماده سازی دانش‌آموزان باید ماهیت نقش‌ها را به آنها نشان دهیم. افزون بر این، فضای نمایشی را برای آنها به تصویر می‌کشیم و به اجرای آزمایشی نمایش اقدام می‌کنیم.

مرحله سوم (بیان اهداف به دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان) : در این مرحله به بیان اهداف و آماده سازی مشاهده‌گران (دانش‌آموزان کلاس) می‌پردازیم. هدف از این مرحله توجه مشاهده‌گران به فعالیت‌های در شرف انجام و وظایف آنها در حین انجام نمایش است.

مرحله چهارم (اجرای نمایش) : در مرحله حاضر بازیگران مطابق دستورالعمل‌های داده شده و با استفاده از متن کتاب به خواندن متن می‌پردازند. برای اجرای مطلوب، چنانچه مقدور باشد، بازیگران را در محل مناسبی از کلاس قرار می‌دهیم. بازیگر نقش نیما می‌باید در محلی بنشیند که تماشاگران او را به خوبی ببینند. بازیگر نقش نظام وفا به جای معلم، در کلاس قدم می‌زند و به ایفای نقش می‌پردازد. راوی نیز در محلی قرار می‌گیرد که علاوه بر اشراف داشتن بر کل صحنه، در صحنه اصلی نمایش دیده نشود. چنانچه این امر امکان پذیر نبود، بازیگران می‌توانند روی صندلی خود به خوانش بپردازند و دانش‌آموزان کلاس با نگاه کردن به متن کتاب، درس «کلاس ادبیات» را دنبال کنند (مانند نمایش رادیویی).

مرحله پنجم (پرسش و پاسخ) : در این مرحله تلاش می‌کنیم با توجه به رخداد‌های نمایش پرسش‌هایی از دانش‌آموزان به عمل آوریم. به عنوان مثال می‌توانیم این پرسش‌ها را مطرح کنیم : مفهوم

شعر نیما را که در متن درس آمده است، بیان کنید. زبان متن نمایش با زبانی که هم اکنون گفت‌وگو می‌کنیم، دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟ پیام نمایش چه بود؟ و ...

مرحله ششم: در این مرحله برای بسط تجربه و دانش فراگیر درباره نمایش و درس، توضیحاتی ارائه می‌دهیم. در ارائه توضیحات باید دقت کنیم تا آنچه می‌گوییم، بر مبنای تجربه دانش‌آموزان از زندگی و از نمایش درس کلاس ادبیات باشد. تکالیفی که برای آنان در نظر می‌گیریم، به اندازه‌ای باشد که بتوانند به انجام دادن آنها رغبت نشان دهند.

اطلاعات کمکی

نیما یوشیج: علی اسفندیاری (نیما یوشیج) در سال ۱۲۷۴ هـ. ش در یوش مازندران به دنیا آمد. نیما تا دوازده سالگی در آغوش طبیعت زیبا بود. تحصیلات اولیه‌اش تحت همان شیوه قدیمی و در مکتب خانه بود. خواندن و نوشتن را نزد روحانی ده آموخت. او در این سن و سال به شهر آمد و دوره دبستان را در مدرسه حاج حسن رشديه به نام حیات جاوید آغاز کرد، سپس به مدرسه سن لویی رفت و زبان فرانسه را آموخت و این باعث آشنایی او با ادبیات اروپا شد. این آشنایی تأثیری ژرف در شعر نیما و به طور کلی در شعر معاصر گذاشت. در این موقع وجود معلمی به نام نظام وفا (که شاعر بود) تأثیر زیادی بر نیما گذاشت و او را تشویق به خواندن و سرودن شعر کرد.

افسانه، نقطه آغاز شعر اوست و مشحون از احساسات است. نیما در سال ۱۳۰۵ با عالیه جهانگیر که از بستگان میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل بود، ازدواج کرد. در سال ۱۳۰۹ به آستارا عزیمت کرد و در آنجا مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۱۱ به تهران مراجعت کرد و در سال ۱۳۱۸ به عضویت هیئت تحریریه «مجله موسیقی» انتخاب شد و در سال ۱۳۳۸ در تهران بدرود حیات گفت.

اولین شعرهای نیما، پراکنده، گمنام و کاملاً شخصی بود. این اشعار بعدها به تشویق نظام وفا جدی تر تلقی می‌شد؛ اشعاری که بیشتر به سبک خراسانی سروده شده بود. فرصت بعدی و مهم تر، ظهور نیما در روزنامه قرن بیستم میرزاده عشقی بود. روزنامه نوبهار جولانگاه بعدی نیماست.

برای نیما وزن تابع زبان شعر است و وزن را در شعر تأکید می‌کند و می‌پذیرد. قافیه را زنگ مطلب می‌داند و شعر بی قافیه را به منزله انسانی بی استخوان می‌داند.

ققنوس را می‌توان نخستین شعری نامید که نیما آن را در شکل و بیانی کاملاً نو و بدیع ارائه می‌کند و با ارائه آن، شعر نو فارسی متولد می‌شود.

ققنوس مرغ خوشخوان، آوازه جهان
آواره ماند از وزش بادهای سرد
بر شاخ خیزران، بنشسته است فرد
برگرد او، به هر سرشاخی پرندگان
او ناله‌های گمشده ترکیب می‌کند
از رشته‌های پاره صدها صدای دور

ققنوس در واقع کنایه و اشارتی است به زندگی خود شاعر و شعر او. وی نمی‌خواهد زندگی‌اش چون دیگران صرفاً در خور و خواب سپری شود. نیما کار خویش را تا سال ۱۳۳۸ هـ. ش که دیده از جهان فرو بست، به نوعی مداوم و پویا ادامه داد.

نظام وفا: استاد نظام وفا یکی از مشاهیر و ادبای عصر حاضر ایران بود.

در اشعار نظام وفا دریایی از عاطفه و احساس و پاکدلی و نیک اندیشی موج می‌زند و بوی صفا و محبت در آن استشمام می‌شود.

از آثار نظام وفا کتاب‌های «یادگار سفر اروپا، شامل مشاهدات و نامه‌های دوستانه» و مثنوی «حبیب و رباب» و مجموعه نظم و نثر «پیوندهای دل» و نمایشنامه‌های ستاره و فروغ و... به چاپ رسیده و کلیات دیوان اشعارش بالغ بر پانزده هزار بیت است.

نظام وفا فرزند مرحوم میرزا محمود امام جمعه کاشان است. وی در سال ۱۲۶۶ هـ. ش در بیدگل کاشان متولد شد و از شش سالگی از پدر و گاه مادر درس آموخت. وی تحصیلات خود را در کاشان به پایان برد. نظام وفا از آغاز جوانی در کوشش‌های آزادی خواهی آن زمان، همگامی داشته است. در علوم ادبی تا سر حد استادی تحصیل کرده و مدتی نیز به تحصیل طب و فلسفه پرداخته و مدتی پس از اقامت در تهران سال‌ها در مدارس دولتی ادبیات فارسی را تدریس کرده است. استاد نظام وفا به خاندان عصمت و طهارت علاقه‌مند بود و به همین لحاظ اشعاری در مدح و رثای آل محمد (ص) سروده است. از جمله در مثنوی «افلاک عشق» واقعه شهادت علی اکبر (ع) فرزند امام حسین را این گونه به نظم کشیده است:

با جمالی برتر از خورشید و ماه
گفت من سیر آمدم از زندگی
آمد و بوسید خاک پای شاه
نیستم در دل دگر تابندگی...

وی اصولاً شاعری غزل سراسر است. حتی اشعار دیگر او هم از قصاید و مثنوی‌ها و وطنیه‌ها در حقیقت نوعی غزل زنده و زیباست. بزرگ‌ترین امتیاز شعر او شاید همان زبان ساده و زیبا و بی تکلف

اوست که هیچ گونه آب و رنگی اضافی ندارد. استاد نظام وفا روز پنجشنبه اول بهمن ۱۳۴۳ هـ. ش در اثر سکتۀ مغزی درگذشت.

دکتر محمود حسابی

به جان زنده دلان سعدیا که ملک وجود نیرزد آنکه دلی را ز خود بیازاری
این شعر زیبای سعدی که بر کاشی کاری سردر خانه‌ای در یکی از کوچه‌های نزدیک به میدان
تجریش تهران نوشته شده است، همه روزه نظر رهگذران را به خود جلب می‌کند و آنان را با ذوق و
سلیقه و اندیشهٔ دکتر سید محمود حسابی، فیزیکدان دانشمند ایرانی که روزگاری در آن خانه سکونت
داشت، آشنا می‌سازد.

به سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای که خود اهل تفرش بودند، فرزندى به
دنیا آمد که او را محمود نام نهادند. پدر بزرگ محمود سفیر ایران در بغداد بود. او در چهار سالگی
همراه با خانوادهٔ خود به بغداد و از آنجا به بیروت رفت و در همان شهر تحصیلات دبستانی و دبیرستانی
خود را به پایان رسانید. در آن هنگام اروپا در آتش جنگ جهانی اول می‌سوخت و شعلهٔ جنگ به
کشورهای خاورمیانه، از جمله لبنان نیز کشیده شده بود. به همین سبب زندگی و تحصیل در بیروت
برای محمود بسیار دشوار بود؛ اما او به کمک مادر فداکارش سختی‌ها را تحمل کرد و با پشتکار
عجیب و هوش سرشار خود وارد دانشگاه شد. محمود نوزده ساله بود که در رشتهٔ مهندسی راه و
ساختمان فارغ‌التحصیل شد؛ اما وی در حقیقت هیچگاه از تحصیل فراغت پیدا نکرد و تا هفتاد سال
بعد از آن تاریخ یعنی تا آخرین روزهای زندگی خود همچنان به تحصیل علم مشغول بود. در بیروت،
تحصیلات خود را در رشتهٔ ستاره‌شناسی و زیست‌شناسی ادامه داد و از آنجا به فرانسه رفت. در
فرانسه ابتدا در رشتهٔ مهندسی برق و سپس در رشتهٔ مهندسی معدن به تحصیل پرداخت و سرانجام
دورهٔ دکتری فیزیک را در دانشگاه معروف سوربن پاریس به پایان رسانید. در آن هنگام در ایران رشتهٔ
فیزیک در سطح دانشگاهی وجود نداشت؛ اما دکتر محمود حسابی که دلش از عشق به میهن خود
لبریز بود به ایران بازگشت تا آنچه را آموخته بود، به جوانان کشور خود بیاموزد. اولین قدمی که لازم
بود برداشته شود، تأسیس دانشگاه بود.

وضع او شبیه کسی بود که می‌خواهد در یک کویر، باغ و بوستان خرم و باصفایی ایجاد کند.
هرچند مشکلات بسیار بود؛ اما حسابی جوان که آرزویی جز پیشرفت و آبادانی کشور خود نداشت،
مردانه قدم در راه نهاد و در سال ۱۳۰۷ (هجری شمسی) با همکاری چند استاد دیگر، دارالمعلمین

عالی را تأسیس کرد که بعدها دانشسرای عالی نام گرفت و امروز دانشگاه تربیت معلم نامیده می‌شود. در آنجا استاد ایرانی دیگری برای تدریس فیزیک نبود و او ناچار بود همهٔ درس‌ها را خود تدریس کند و این آغاز آموزش فیزیک در تحصیلات دانشگاهی ایران بود. چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۲ دکتر حسابی در تأسیس دانشگاه تهران شرکت کرد و ریاست دانشکدهٔ فنی را برای تربیت مهندسان ایرانی به عهده گرفت. مدتی بعد، در دانشگاه تهران دانشکدهٔ علوم را تأسیس کرد و دوازده سال رئیس آن دانشکده بود. در همین سال توانست چند مؤسسه برای تحقیقات علمی در ایران تأسیس کند که از میان آنها می‌توان مرکز اتمی دانشگاه تهران، مؤسسهٔ ژئوفیزیک و نیز رصدخانهٔ دانشگاه تهران را نام برد. در کنار تلاش و تکاپو برای ایجاد مؤسسات آموزش عالی و تأسیس آموزشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و تدریس فیزیک به دانشجویان، دکتر حسابی از مطالعه و تحقیق علمی و افزایش دانش خود غافل نبود، او شیفتهٔ علم بود و با دانشمندان درجهٔ اول فیزیک در دنیا مکاتبه و تماس داشت. او معتقد بود که علم باید با عمل توأم باشد؛ بنابراین در تدریس فیزیک به تجربهٔ عملی و کار در آزمایشگاه بسیار اهمیت می‌داد و خود دستگاه‌هایی می‌ساخت و با آنها آزمایش می‌کرد. دکتر حسابی نزدیک به شصت سال در ایران فیزیک تدریس کرد؛ به همین جهت او را که بی‌واسطه یا با واسطه استاد همهٔ فیزیکدانان ایرانی است، پدر آموزش فیزیک نوین در ایران لقب داده‌اند.

دکتر حسابی به زبان‌های عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی مسلط بود. وی به زبان فارسی عشق می‌ورزید و معتقد بود که ما باید علم را در دانشگاه به زبان فارسی تدریس کنیم و سعی می‌کرد به جای لغات علمی خارجی، لغات فارسی به کار ببرد. او دوستدار ادبیات فارسی بود و به حافظ و سعدی و مولوی و نظامی علاقه بسیار داشت. دکتر حسابی مردی دیندار بود. در آیات قرآنی تأمل و تفکر می‌کرد و با دانشمندان علوم اسلامی به بحث و گفت‌وگو می‌نشست. او مردی مؤدب و متواضع بود؛ کم سخن می‌گفت و بسیار فکر می‌کرد.

بیکر او را بنا به وصیت خود او، در تفرش شهر آبا و اجدادی وی به خاک سپردند. با مرگ دکتر حسابی، ایران یکی از فرزندان دانشمند و خدمتگزار خود را از دست داد؛ اما مردم ایران او را فراموش نخواهند کرد و جوانان دانش‌آموز و دانشجو راهش را ادامه خواهند داد.

سعید کاظمی آشتیانی

دکتر سعید کاظمی آشتیانی اول فروردین ۱۳۴۰ در تهران چشم به جهان گشود. وی پس از دوران متوسطه در رشتهٔ فیزوترابی وارد دانشگاه علوم پزشکی ایران شد و در همین دانشگاه موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد شد.

دکتر کاظمی در ادامهٔ تحصیل خود در تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۴ موفق به کسب مدرک دکتری در

رشته علوم تشریحی از دانشگاه تربیت مدرس شد.

وی در ۱۳۶۳/۸/۱۰ همزمان با گذراندن دوران دانشجویی وارد جهاد دانشگاهی شد و در ۱۳۷۱/۸/۳۰ با حکم رئیس جهاد دانشگاهی به عنوان رئیس جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی ایران و در سال ۱۳۷۶ به عنوان مشاور رئیس جهاد دانشگاهی منصوب شد. دکتر کاظمی پس از پیگیری و تلاش فراوان نهایتاً موفق به راه اندازی مؤسسه رویان شد و در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۳ با حکم دکتر منتظری رئیس جهاد دانشگاهی و با حفظ سمت به عنوان رئیس پژوهشکده رویان جهاد دانشگاهی منصوب شد.

وی علاوه بر مسئولیت‌های فوق، مهم‌ترین فعالیتش در زمینه تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی بوده است. از جمله تلاش‌های دکتر کاظمی می‌توان به راه‌اندازی و برگزاری شش دوره جشنواره بین‌المللی رویان، توسعه تحقیقات در زمینه باروری و ناباروری، شبیه‌سازی، برگزاری دو دوره جشنواره آسیایی بهداشت خانواده و ده‌ها فعالیت ارزنده علمی دیگر اشاره کرد.

وی در سال ۱۳۸۴ به دلیل تلاش‌های فراوان در زمینه تحقیقات سلول‌های بنیادی جنینی به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار کشور معرفی شد و در سال ۱۳۸۴ نیز در یازدهمین جشنواره تحقیقات علوم پزشکی رازی از رئیس جمهوری تندیس رازی را دریافت کرد.

آشنایی با برخی از چهره‌های ملی

میرزا کوچک خان (از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل): یونس معروف به میرزا کوچک خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت و ساکن استادسرا بود. وی در سال ۱۲۹۸ ه. ق دیده به جهان گشود. در اوایل کودکی و جوانی در صالح آباد رشت و مدرسه جامع و مدرسه محمودیه تهران صرف و نحو و مقدمات علوم دینی را فرا گرفت؛ اما حوادث و انقلاب کشور مسیر افکارش را تغییر داد و به صف مجاهدان مشروطیت پیوست. او ضد تجاوزات و بیدادگری‌های روسیه فعالیت می‌کرد. در جنگل‌های شمال به مبارزه بر ضد نفوذ بیگانگان پرداخت. سرانجام پس از یک سلسله مبارزات که مدت ۷ سال به طول انجامید، نهضت جنگل با مرگ وی خاتمه یافت. (۱۳۰۰ ه. ش)

مرحوم دهخدا در یادداشت‌های خود می‌نویسد: «میرزا کوچک خان از مجاهدین گیلان بود که با میرزا کریم خان و سردار محی‌الدین برای بیرون کردن محمد علی شاه به تهران آمد. او سربازی بی‌نهایت شجاع بوده و در نهایت درجه معتقد به دین اسلام و به همان حد وطن پرست بود. نماز و روزه او هیچ وقت ترک نمی‌شد، قانع و بی‌طمع بود، همیشه متفکر بود و بسیار کم‌تکلم می‌کرد. همه کارها

را با استخاره قرآن انجام می داد...».

ستارخان «سردار ملی»: ستارخان پسر حاجی قراچه داغی یکی از دو مدافع مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه قاجار است. در مدت ۱۱ ماه (۱۳۲۶) وی رئیس مجاهدان تبریز و آرامنه و قفقازی‌ها بود و مقاومت شدید اهالی تبریز در مقابل سی و پنج الی چهل هزار قشون دولتی تحت راهنمایی او صورت می‌گرفت. شهرت او از داخل به خارج ایران سرایت کرد و در غالب جراید اروپا و آمریکا هر روز نام ستارخان در صفحه اول روزنامه چاپ می‌شد. او بارزترین نمونه شجاعت، دلاوری، مردی، مردانگی و وطن پرستی نژاد ایرانی محسوب می‌شد. ستارخان سرانجام پس از مبارزات و رشادت‌های بی نظیر در سال ۱۳۳۲ هـ. ش درگذشت و در جوار بقعه حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

رئیس علی دلواری: رئیس علی دلواری از مشروطه خواهان جنوب ایران است که در سال ۱۲۹۹ هـ. ق در روستای دلواری تنگستان دیده به جهان گشود. وی در ۲۵ سالگی به صفوف مبارزان مشروطه خواه جنوب ایران پیوست و همکاری نزدیکی را با محافل انقلابی و عناصر مشروطه طلب ایران آغاز کرد. با کودتای ضدانقلابی لیاخوف روسی علیه مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۶ هـ. ق و بمباران مجلس شورای ملی و استقرار دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار، رئیس علی به همراه سید مرتضی علم الهدی به مبارزه علیه استبداد صغیر پرداخت. در سال ۱۳۲۶ هـ. ق با کمک تفنگچی‌های تنگستان بوشهر را از عناصر مستبد وابسته به دربار محمدعلی شاه پاک کرد و اداره گمرک و انتظامات و دیگر ادارات را تسخیر کرد. این کار دلبران تنگستان بر انگلیسی‌ها که اداره گمرک را در اجاره داشتند، گران آمد و آنان برای تضعیف مشروطه خواهان و استمرار سلطه بر حیات اقتصادی و سیاسی جنوب ایران به جنگ با دلبران تنگستانی پرداختند و در این راه از دیگر خوانین جنوب ایران یاری جستند.

جنگ میان رئیس علی و دلبران تنگستان از یک سو و انگلیسی‌ها و خوانین متحد آنان از سوی دیگر به طور پیاپی و پراکنده تا شوال ۱۳۳۳ هـ. ق ادامه یافت و انگلیسی‌ها نتوانستند بر رئیس علی و یارانش تفوق یابند، تا اینکه درگیر و دار حمله انگلیسی‌ها به بوشهر در شب ۲۳ شوال ۱۳۳۳ (سوم سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی) هنگامی که رئیس علی در محلی به نام تنگک صفر قصد شبیخون به قوای انگلیسی‌ها را داشت، از پشت مورد هدف گلوله یکی از همراهان خائن قرار گرفت و در دم به شهادت رسید. وی هنگام شهادت حدود ۳۴ سال داشت. مبارزات رئیس علی دلواری برگ زرین دیگری در تاریخ مقاومت دلیر مردان ایران در مبارزه با استعمار است.

شعرخوانی: گل و گل

هرگاه شاعری در میان اشعار خود، شعری از شاعری دیگر بگنجانند، آن را «تضمین» می‌گویند. تضمین در این مورد یعنی گنجانیدن و شعری را در میان شعری دیگر قرار دادن. در این شعر ملک الشعراء بهار، قطعه معروف سعدی را تضمین کرده است.

ملک الشعراء بهار: محمد تقی بهار (۱۲۶۶-۱۳۳۰ ه. ش.) از شاعران بزرگ معاصر و در

عین حال محقق، نویسنده، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود.

بهار در شعر شیوه فصیح قدما را به نیکوترین صورت ادامه داده است، در ضمن از زبان متداول، لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود به عاریت گرفته است. وی شعر را وسیله بیان مقاصد گوناگون قرار داده و با اطلاعی که از زبان پهلوی (زبان دوره ساسانیان) داشت، به ایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از لغات متروک توفیق یافت.

دیوان بهار در دو جلد به طبع رسیده است. از آثار تحقیقی او تصحیح و تحشیه «تاریخ سیستان»،

«مجموعه التواریخ و القصص» و تألیف کتاب ارزشمند «سبک‌شناسی» در سه جلد است.

مآخذ: لغت نامه دهخدا، فرهنگ شش جلدی معین

درس دهم: عهد و پیمان، عشق به مردم، رفتار بهشتی و گرمای محبت

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با چهره‌های مشهور سیاسی و مذهبی ایران، مانند: شهید محمد علی رجایی و شهید مصطفی چمران
- ۲- آشنایی و شناخت بیشتر خصوصیات اخلاقی شهیدان بزرگوار چون: دکتر بهشتی و دکتر چمران و ...
- ۳- آشنایی با نمونه‌هایی از نثر معاصر
- ۴- تقویت علاقه و تشویق به منظور مطالعه زندگی شخصیت‌های بزرگ مذهبی و علمی
- ۵- شناخت شخص و شمار در فعل‌های فارسی
- ۶- آشنایی با خاطره نویسی و خاطره در زبان و ادب فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- تدریس اعضای تیم
- ۲- کارایی تیم
- ۳- ایفای نقش
- ۴- روشن‌سازی طرز تلقی

اطلاعات کمکی

شهید رجایی: محمد علی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. چهار سال بیشتر نداشت که پدر خود را از دست داد و مادر و برادر سیزده ساله اش مسئولیت اداره زندگی را به عهده گرفتند. با تمام مشکلات، دوره ابتدایی را به پایان رساند و در بازار قزوین در مغازه دایی خود به دانش‌آموزی مشغول شد. در ۱۴ سالگی قزوین را ترک کرد و به تهران نزد برادر خود آمد.

در قزوین به عنوان نوجوانی مذهبی شناخته شده بود و در ایام سوگواری، رهبری نوجوانان محله را به عهده داشت. در طول همین مدت و با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد؛ سپس به کار معلمی پرداخت. شهید رجایی همراه تلاش برای اداره زندگی،

به مبارزه سیاسی هم می پرداخت و از روحانیون مبارزی مثل آیت الله طالقانی درس‌ها آموخت. در این مبارزه طعم تلخ زندان را چشید و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد. با همه گرفتاری‌ها موفق به گرفتن درجه لیسانس در رشته ریاضی و فوق‌لیسانس در رشته آمار شد و در دبیرستان‌ها به تدریس ریاضی پرداخت. او سال‌ها بعد صدایش را به عنوان صدای اعتراض ملت ایران نسبت به ظلم و ستم در تاریخ ۵۹/۷/۲۶ از جایگاه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به گوش جهانیان رساند.

«خداوند بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به وی ستم شده باشد».

محمدعلی رجایی پیش از رسیدن به نخست‌وزیری در مقام وزارت آموزش و پرورش و سپس در جایگاه نمایندگی ملت ایران در مجلس شورای اسلامی خدمت کرد. او در دینداری و نظم و انضباط نمونه بود. تقوا و ایمان او به خدا و شکیبایی اش باعث موفقیت و افتخارش شد.

رجایی معلم ساده و بی‌آلایش با یاری خداوند و پشتیبانی مردم و سرشت پاک و خداجوی خویش در راه ایمان و عقیده مبارزه کرد و سرانجام در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در کنار دوست و همسنگر دیرینه اش، دکتر محمد جواد باهنر به شهادت رسید.

دکتر مصطفی چمران: در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد. مصطفی تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه، نزدیک پامنار آغاز کرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. در دانشکده فنی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی دانشجویان ممتاز به آمریکا عازم شد و پس از تحقیقات علمی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید.

مصطفی از پانزده سالگی در درس تفسیر قرآن آیت الله طالقانی در مسجد هدایت و در درس فلسفه و منطق استاد مرتضی مطهری و بعضی استادان دیگر شرکت می‌کرد. وی از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران دکتر محمد مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت. او بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا زمان مهاجرت از ایران به مبارزه پرداخت و در آمریکا با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد. چمران از مؤسسان انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و فعالان انجمن ایرانی در آمریکا به شمار می‌رفت که به دلیل فعالیت‌های سیاسی بورس تحصیلی اش از سوی دولت قطع شد.

پس از قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ رهسپار مصر شد و مدت دو سال در زمان عبدالناصر، در

مصر دوره‌های چریکی - پارتیزانی را آموخت و سپس مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده او واگذار شد. بعد از فوت جمال عبدالناصر به ایجاد پایگاهی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی در لبنان پرداخت. او به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان، سازمان «امل» را پی ریزی نمود. دکتر چمران با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بعد از ۲۳ سال به ایران بازگشت.

تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب در سعد آباد از جمله نخستین فعالیت‌های چمران بود. او سپس در شغل معاونت نخست وزیر در امور انقلاب به فعالیت ادامه داد و از طرف امام خمینی (ره) به وزارت دفاع منصوب گردید. دکتر چمران در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. او با کمک گروهی از رزمندگان، ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. ایجاد واحد مهندسی برای این استان یکی از برنامه‌های چمران بود که به کمک آن، جاده‌های نظامی نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یکصد متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه ساخت به همین دلیل نیروهای دشمن مجبور شدند چند کیلومتر عقب نشینی کنند و سدی عظیم مقابل خود ببینند و با این عمل، فکر تسخیر اهواز را برای همیشه از سر بیرون کنند. یکی از کارهای مهم چمران از همان روزهای اول، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای داوطلب بود. دکتر چمران برنامه عملیاتی مشترک از جانب جاده اهواز - سوسنگرد برای یورش به سوسنگرد را سازماندهی نمود.

در جریان این حمله از دو قسمت پای چپ زخمی شد، ولی پس از آزادسازی شهر سوسنگرد در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در دهلاویه به شهادت رسید. از دکتر مصطفی چمران دست نوشته‌هایی بر جای مانده است.

کیومرث صابری: طنزپرداز معاصر در هفتم شهریور ۱۳۲۰ زمان حضور ارتش متفقین جنگ جهانی دوم در ایران، در فومن - در یکی از شهرهای استان گیلان - به دنیا آمد.

صابری تحصیلات دبستانی خود را در شهر فومن گذراند. بعد از اتمام دوره دبیرستان در شانزده سالگی در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ساری که از شهرستان فومن فقط یک نفر را می پذیرفت، قبول شد و دو سال در آنجا که شبانه روزی هم بود، تحصیل کرد. او پس از قبولی در امتحانات در سن ۱۸ سالگی (۱۳۳۸) به عنوان معلم یک دبستان روستایی از توابع صومعه سرا مشغول به کار شد.

صابری در ۲۰ سالگی (۱۳۴۰) در رشته ادبی به طور متفرقه امتحان داد و دیپلم گرفت. همان

سال در کنکور رشته سیاسی حقوق تهران پذیرفته شد و همزمان با تدریس در دبستان و دبیرستان به تحصیل پرداخت. با این حال پس از ۴ سال توانست لیسانس حقوق سیاسی خود را از دانشکده مذکور دریافت کند.

صابری اولین شعرش را در ۱۴ سالگی برای درج در روزنامه دیواری مدرسه شان سرود که یک غزل ۸ بیتی با عنوان یتیم بود.

در سال ۱۳۴۰ در تظاهرات دانشجویی شرکت کرد و مضروب و دستگیر شد. او شعری سیاسی به طنز سرود و با امضای گردن شکسته فومنی برای مجله طنز توفیق ارسال کرد. پس از چاپ این شعر در چند شماره بعد مجله توفیق، پای صابری به طنز نویسی کشیده شد. در سال ۱۳۴۵ با کمک حسین توفیق به تهران منتقل شد و در یکی از دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت.

او همکار ثابت توفیق بود و پس از مدتی کوتاه به معاونت حسین توفیق رسید. صابری بعدها در هنرستان صنعتی کارآموز تهران با محمد علی رجایی آشنا شد. این آشنایی به دوستی صمیمانه این دو انجامید و تا زمان شهادت محمد علی رجایی (۱۳۶۰/۶/۸) ادامه یافت. «برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر» عنوان پایان نامه مقطع لیسانس صابری بود و به پیشنهاد شهید رجایی به صورت کتابی درآمد.

صابری در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ فوق لیسانس ادبیات تطبیقی از دانشگاه تهران شد. او پس از انقلاب در زمان نخست وزیری شهید رجایی به مقام مشاورت فرهنگی و مطبوعاتی نخست وزیر منصوب شد و تا زمان شهادت رجایی در این سمت باقی ماند و هنگام ریاست جمهوری آیت الله خامنه‌ای در همان سمت ابقا شد.

صابری به تدریج از مشاغل سیاسی کناره گرفت و بعد فرهنگی کار خود را وسعت بخشید. او مسئولیت مجله رشد ادب فارسی را نیز برعهده داشت و گهگاه مطالبی برای روزنامه اطلاعات می‌نوشت. او مدت‌ها طرح ایجاد یک ستون طنز سیاسی را در خاطر داشت.

وی مدتی روی طرح ستون طنز خود کار کرد و از میان چند عنوان نام «دو کلمه حرف حساب» را برگزید و اسم مستعار گل آقا را برای خود انتخاب کرد. با گذشت مدت کوتاهی از آغاز انتشار دو کلمه حرف حساب، به عنوان مهم‌ترین منتقد حکومت در داخل کشور مطرح شد. او در آبان سال ۱۳۶۹ با گرفتن امتیاز هفته نامه گل آقا، اولین شماره هفته نامه گل آقا را منتشر کرد. استقبال مردم از این مجله غیرقابل تصور بود.

گل آقا در اولین نمایشگاه مطبوعات در اردیبهشت ۱۳۷۱ حائز مقام اول شد و به دریافت جایزهٔ اول نمایشگاه مطبوعات (لوح بلورین و تقدیرنامه) مفتخر گردید.

کیومرث صابری توانست با سرمایه گذاری روی جوانان نسل آینده طنز کشور را بیوراند، طنز گل آقایی، آمیزه‌ای است از انتقاد، تجاهل، شفقت، انصاف، ادب، تدین، ایجاز، رندی حافظانه، امیدبخشی و شادی آفرینی.

صابری در آبان ۱۳۸۱ همزمان با آغاز سیزدهمین سال انتشار مجلهٔ گل آقا، انتشار آن را متوقف ساخت.

گل آقای ملت ایران سرانجام در صبح جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ پس از طی یک دوره بیماری زندگی را بدرود گفت.

آثاری که تا به حال از صابری منتشر شده، عبارت اند از :

۱- برداشتی از فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر

۲- تحلیل داستان ضحاک و کاوهٔ آهنگر

۳- مکاتبات شهید رجایی و بنی صدر

۴- گزیدهٔ دو کلمه حرف حساب جلد ۱، ۲، ۳ و ۴

نوشتن

- حل جدول

۱- ماضی

۲- ضمیر

۳- یواش

۴- مو

۵- یا

۶- جدی

۷- آرش

۸- دم

۹- بعید

۱۰- بدر

۱۱- دور

روان خوانی : ستارگان

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با گوشه‌هایی از موقعیت علمی ایران در سده‌های گذشته
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر متناسب با موضوع فصل
- ۳- افزایش گنجینه واژگان دانش‌آموزان
- ۴- تقویت بلندخوانی و صامت خوانی متن
- ۵- توانایی درک پیام متن

نکات مهم روان خوانی

۱- یکی از افتخارات اسلام، وجود مدرسه‌های پررونق در شهرها و سرزمین‌های اسلامی است. ایران از قدیم مرکز فعالیت‌های گسترده علمی بوده است. معرفی مراکز علمی مثل مدرسه و حوزه، دانش‌آموزان را با یکی از عناصر فرهنگی سرزمین ایران آشنا می‌کند. از آنجا که دانش‌آموزان این دوره، در سنی هستند که به همانندسازی می‌پردازند، هدف از این روان خوانی، سخن گفتن از علم و دانش در ایران نیست، بلکه با معرفی چهره‌های علمی ایران، زمینه را برای رسیدن به اهداف بالا آماده می‌کنیم تا هم نیاز نوجوانان را پاسخ گفته باشیم و هم آنان را متوجه اهمیت این بعد از فرهنگ اسلامی ایران کرده باشیم.

فصل پنجم

اسلام و انقلاب اسلامی

(درس یازدهم، درس دوازدهم، درس سیزدهم)

شعر خوانی، حکایت، روان خوانی

درس یازدهم: خدمات متقابل اسلام و ایران

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نقش ایرانیان در باروری فرهنگ و تمدن اسلام
- ۲- آشنایی با اهمیت تعالیم اسلامی در رشد و پیشرفت فرهنگ و ادب فارسی
- ۳- ایجاد انگیزه نسبت به مطالعه آثار گران بها و شاهکارهای فرهنگ و ادب اسلامی
- ۴- آشنایی با چهره‌های بزرگ و عالمان فرهنگ و علوم اسلامی
- ۵- پرورش و تقویت صمیمیت و اخلاص و ذوق نسبت به آثار تمدن اسلام و ایران
- ۶- آشنایی بیشتر با ضمیر و واژه‌های هم خانواده در زبان و ادب فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- کارایی تیم
- ۲- سخنرانی
- ۳- بحث گروهی
- ۴- واحد کار (پروژه)
- ۵- روشن سازی طرز تلقی

اجرای عملی تدریس

در روش ۴ دانش‌آموزان به صورت گروهی یا فردی به جمع‌آوری اطلاعات راجع به خدمات متقابل اسلام و ایران از کتابی به همین نام از استاد مطهری می‌پردازند.

روش کارایی تیم: دانش‌آموزان را به گروه‌های سه نفری تقسیم کرده، هر یک از اعضای گروه متن درس را به صورت انفرادی می‌خواند، سپس به سؤال‌های آزمون (تهیه شده توسط معلم) که در اختیار او قرار می‌گیرد، پاسخ می‌دهد. در گروه نیز درباره پاسخ‌های خود گفت‌وگو می‌کند و دلایل انتخاب یا رد آن را ارزیابی می‌کند. در مرحله بعد پاسخ سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد. بعد از اعضای گروه پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره‌گذاری و نمره مؤثر یادگیری را محاسبه می‌کنند.

نکات مهم درس

در این درس، استاد شهید مرتضی مطهری، به نقش برجسته خدمات دانشمندان و حکیمان و استعدادهای درخشان ایران در رشد و شکوفایی و بالندگی تمدن اسلام پرداخته است و از سویی دیگر به ظهور اسلام و شکل‌گیری حکومت اسلامی و آثار سازنده آن بر افکار و اندیشه‌های صاحبان قلم، اشارتی نموده است. تأکید استاد شهید مطهری بر این است که از یک‌سویه‌نگری و تعصب و خام‌اندیشی باید پرهیز کرد. آنچه در قلمرو فکر و فرهنگ و تمدن، ارجمند و مهم است، داد و ستد سالم و سازنده و تعامل میان ملت‌ها و آیین‌ها و فرهنگ‌هاست.

اطلاعات کمکی

استاد شهید مطهری: مرتضی مطهری در قریه فریمان - ده فرسنگی مشهد مقدس - در یک خانواده اصیل روحانی متولد شد. دوران تحصیل خود را ابتدا در شهر مشهد و حوزه قدیمی و پرمایه آن گذراند. سپس به قم آمد و از محضر درسی علمایی بزرگ چون امام خمینی (ره)، آیت الله العظمی بروجردی و علامه سید محمد حسین طباطبایی بهره‌های فراوان برد و مدتی در همین حوزه مشغول تدریس شد. وی پس از کودتای ۲۸ مرداد به تهران آمد و در دانشگاه به تدریس پرداخت.

استاد مطهری با وسعت اندیشه، احاطه و تسلط علمی، آشنایی با علوم مختلف دینی و ادبی و بیان رسا و قلم توانا، ده‌ها کتاب و مقاله علمی و نظریه تحقیقی درباره موضوعات اسلامی و فلسفی ارائه داد که جامع‌نگری، هماهنگی با نیازهای فرهنگی و اجتماعی، اسلوب مناسب و ابتکار در طرح مسائل از ویژگی‌های بارز آنهاست.

استاد مطهری را به سبب نوشتن «داستان راستان» باید از پیشگامان ادبیات مذهبی برای کودکان و نوجوانان دانست. از دیگر آثار استاد می‌توان به «مقدمه و حواشی بر چهار جلد کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، عدل الهی، خدمات متقابل اسلام و ایران، نظام حقوق زن در اسلام، سیری در نهج‌البلاغه، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، علوم اسلامی و مسئله حجاب اشاره کرد. استاد در دوازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

آشنایی بیشتر با کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»

این کتاب دربارهٔ موضوع‌های مشترک میان اسلام و ایران است. شهید مطهری در مقدمهٔ این اثر می‌نویسد:

«ما مسلمانان ایرانی به اسلام به حکم اینکه مذهب ماست، ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم اینکه میهن ماست، مهر می‌ورزیم. از این رو سخت علاقه‌مندیم که مسائلی را که از یک طرف با آنچه به آن ایمان و اعتقاد داریم و از طرف دیگر با آنچه به آن مهر می‌ورزیم، پیوند دارد، روشن درک کنیم و تکلیف خود را در آن مسائل بدانیم. عمدهٔ این مسائل در سه پرسش ذیل خلاصه می‌شود:

۱- ما هم احساسات مذهبی - اسلامی داریم و هم احساسات میهنی - ایرانی؛ آیا دارای دو نوع احساس متضاد می‌باشیم یا هیچ‌گونه تضاد و تناقضی میان احساسات مذهبی ما و احساسات ملی ما وجود ندارد؟

۲- دین اسلام وقتی در چهارده قرن پیش به میهن ما ایران وارد شد، چه تحولات و دگرگونی‌ها در میهن ما به وجود آورد؟ آن دگرگونی‌ها در چه جهت بود؟ از ایران چه گرفت و به ایران چه داد؟ آیا ورود اسلام به ایران برای ایران موهبت بود یا فاجعه؟

۳- ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت به این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند. سهم ما ایرانیان در این خدمات چه بوده است؟ ایران چه مقامی از این جهت دارد؟ آیا مقام اول را به دست آورده است یا خیر؟ به علاوه انگیزهٔ ایرانی در این خدمات چه بوده است؟

از نظر ما سه پرسش بالا عمده‌ترین پرسش‌ها در باب مسائل مشترک اسلام و ایران است (مقدمهٔ ص ۱۲).

دانش‌های زبانی و ادبی

با توجه به محتوای نکتهٔ اول، می‌توان با روش‌های مختلفی دانش‌آموزان را با این مطالب آشنا کرد. از جمله می‌توان از کارت‌هایی که بر روی آنها جمله‌های متعدد با ضمیرهای متفاوت نوشته شده، استفاده کرد.

ضمیر

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم یا گروه اسمی می‌نشیند و از تکرار آن در جمله جلوگیری می‌کند. گروه اسمی که ضمیر به جای آن می‌نشیند، «مرجع» نام دارد.

محمد برادر پروین است. پروین پاسخ مسئله را از برادرش (= محمد) پرسید.

ضمیر در نقش هستهٔ گروه اسمی نیز ظاهر می‌شود. پس، گروه اسمی می‌تواند از یک اسم یا ضمیر به عنوان هسته و یک یا چند وابسته تشکیل شود.

حقیقت همان اندازه رایج خواهد شد که ما آن را رواج می‌دهیم.

برای سوم شخص مفرد هنگام احترام، به جای ضمیرهای (او، -ش)، از ضمیرهای (ایشان، -شان) استفاده می‌شود.

استاد یک جلد کتابشان را به من هدیه کردند. ایشان در این کتاب نظریه‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند.

انواع ضمیر

- ۱- ضمیر شخصی
- ۲- ضمیر مشترک
- ۳- ضمیر اشاره
- ۴- ضمیر پرسشی

۱- **ضمیر شخصی**: ضمیر شخصی به جای اسم یا گروه اسمی می‌نشیند و شش شخص دارد: ایشان آمدند. من نشستم. ضمیر شخصی، دو گونه است: جدا و پیوسته.

ضمیرهای جدا یا منفصل به واژه‌های دیگر نمی‌پیوندند: او را صدا زدیم.

ضمیرهای پیوسته یا متصل به تنهایی به کار نمی‌روند، بلکه به واژه‌های دیگر می‌پیوندند: کتابش را آوردم.

۲- ضمیر مشترک: ضمیر مشترک چون برای هر شش شخص، کلمه مشترکی دارد، مشترک

نامیده می‌شود: خود، خویش، خویشان

فردوسی خود برای سرودن شاهنامه سال‌ها رنج کشید.

ضمیر مشترک خود معمولاً همراه با ضمیرهای شخصی پیوسته به کار می‌رود:

خوادم/خودت/خودش/خودمان/خودتان/خودشان

۳- ضمیر اشاره: واژه‌های این و آن که به ترتیب برای اشاره به نزدیک و دور به کار می‌روند و

مانند اسم‌ها جمع بسته می‌شوند، ضمیر اشاره هستند.

۴- ضمیر پرسشی: واژه‌هایی که جانشین اسم می‌شوند و برای پرسش به کار می‌روند، ضمیر

پرسشی هستند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

که، چه، کدام، کجا، چند، کی

تفاوت ضمیر پرسشی و صفت پرسشی:

صفت پرسشی وابسته اسم است و همراه اسم به کار می‌رود: کدام گلدان را شکست؟

ضمیر پرسشی جانشین اسم است و به جای اسم و تنها می‌آید: کدام را شکست؟

شعرخوانی: رستگاری

شعرخوانی: شعرخوانی، فرصتی است برای تقویت ذوق و تخیل و التذاذ از شعر برای جذب

مفاهیم و معانی درون آن.

در شعرخوانی، خواندن دسته جمعی توصیه می‌شود. از توضیح اجزای شعر می‌پرهیزیم و کوشش

می‌کنیم در خوانش کلی شعر، مفاهیم و درون مایه آن جذب ذهن و روان دانش‌آموزان شود.

نکات کلیدی شعر: فردوسی در این شعر تنها راه رستگاری انسان را در دانش اندوزی و

دینداری می‌داند و می‌گوید: «برای نجات از تیرگی‌ها باید به خاندان عصمت و طهارت پناه برد».

درس دوازدهم : اُسوه نیکو

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با شخصیت والای پیامبر (ص)
- ۲- آشنایی با نثر ساده به زبان معاصر
- ۳- تقویت توانایی دریافت و درک مفاهیم درس
- ۴- تقویت توانایی برای فعالیت‌های لازم جهت درک مفاهیم درس
- ۵- شناخت بیشتر فعل مضارع و توصیف در زبان و ادب فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- تدریس اعضای گروه
- ۲- واحد کار (پروژه)
- ۳- سخنرانی
- ۴- کارایی تیم

نکات مهم درس

۱- اصل رهبری و اعتقاد به آن، انسان‌ها را به سوی رستگاری سوق می‌دهد و سیرت و اخلاق پیامبر، روشن‌گر راه زندگی انسان‌هاست. لطف خداوند برای تأمین سعادت انسان‌ها باعث می‌شود که خدا پیامبرانی برگزیند و مسئولیت هدایت خلق را به آنها واگذارد. حضرت محمد (ص) خاتم این برگزیدگان است که با اخلاق نیک خود در تاریخ ترین دوره عرب جاهلی به ارشاد، مأمور می‌شود. در فرهنگ اسلامی، ذکر اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی پیامبر به «سیره» موسوم شده و نمونه عملی رفتارهای اسلامی را مشخص می‌کند.

۲- درباره متن اصلی درس ۱۲ می‌توان به آیات و احادیثی اشاره کرد؛ مانند نمونه‌های زیر :
سوره آل عمران آیه ۱۵۹ : فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.
رحمت خدا تو را با مردم، مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند. همچنین است حدیث : النظافة من الايمان.

۳- سروده‌ای که در ادامه درس آمده از بخش مواعظ غزلیات سعدی است که در آن به ستایش

مقام و منزلت حضرت پیامبر اکرم (ص) پرداخته است و می‌گوید :

ماه با همه زیبایی خود در برابر جمال و شکوه حضرت محمد (ص) در مانده و متحیر می‌شود و درخت سرو با تمام استواری و راست قامتی خود هرگز به تناسب اندام و زیبایی قامت پیامبر نمی‌رسد. همه انبیای الهی زیر سایه جلال و عظمت حضرت محمد (ص) قرار دارند و مقام او برتر از همه است.

ای سعدی، اگر می‌خواهی عشق ورزی و محبت و نشاط جوانی پیشه کنی، فقط عشق و محبت نسبت به حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش برای تو کافی است.

دانش‌های زبانی و ادبی

هر فعل دو بن دارد : بن ماضی و بن مضارع

بن مضارع فعل‌های ساده = فعل امر مفرد بدون «ب» : رو، بین، نشین

بن مضارع فعل‌های پیشوندی = فعل امر مفرد : برگرد، بازگرد، برآ

بن مضارع فعل‌های مرکب = فعل امر مفرد بدون «ب» : یاد ده، گوش کن

برای شناخت ساختمان هر فعل، بن مضارع آن فعل را در نظر می‌گیریم.

بن ماضی نیز چنین به دست می‌آید :

مصدر بدون «ن» پایانی = دید«ن»، باور کرد«ن»، دوید«ن»، برداشت«ن»، دوست داشت «ن»

حکایت : چشمه زاینده

سعدی در این حکایت به ارزش والای فضیلت و کسب فضایل ارجمند انسانی می‌پردازد و می‌گوید : آنچه به ارج یک ملت و سرزمین می‌افزاید، هنرآموزی و معرفت اندوزی است.

توجه به این نکته ضروری است که واژه «هنر» در این حکایت و عموماً در متن کهن به معنای فضایل معنوی و اخلاقی است که با معنای امروزی این کلمه متفاوت است.

درس سیزدهم : امام خمینی (ره)

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با شخصیت والای حضرت امام خمینی (ره)
- ۲- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی امام خمینی (ره)
- ۳- ایجاد شوق و رغبت نسبت به شخصیت امام خمینی (ره)
- ۴- ایجاد نگرش مثبت نسبت به امام خمینی به عنوان یک الگوی انقلابی و رهبری در جهان معاصر
- ۵- ایجاد علاقه نسبت به مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی و ابعاد آن
- ۶- آشنایی با نثر ساده و زندگی نامه‌ای
- ۷- آشنایی با فعل ماضی (گذشته) در زبان فارسی
- ۸- تقویت و پرورش روحیه مسئولیت پذیری و حس همدلی
- ۹- تقویت وحدت ملی و مذهبی در دستیابی به اهداف متعالی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- ۱- کارایی گروه
- ۲- ایفای نقش
- ۳- روشن‌سازی طرز تلقی

از متن درس به مفاهیم ارزشمندی دست می‌یابیم که در قسمت اهداف آموزشی آورده شده است. این درس به نثر ساده و داستانی نوشته شده و می‌تواند سرمشق مناسبی برای دانش‌آموزان باشد.

روش تدریس پیشنهادی درس سیزدهم - امام خمینی (ره)

روش روشن‌سازی طرز تلقی افراد عمیقاً بر رضایت شخصی آنها اثر می‌گذارد و از این رو طرز تلقی‌ها، جنبه‌های مهمی از یادگیری اجتماعی به حساب می‌آیند. چنانچه افراد بتوانند آزادانه طرز تلقی‌هایشان را مورد بررسی قرار دهند، بینشی کسب می‌کنند که می‌تواند رفتار خویش را کنترل نمایند و دریابند که طرز تلقی‌شان تا چه حد ممکن است در کیفیت کارشان تأثیر گذارد.

در این روش پس از قرائت متن درس امام خمینی (ره) از دانش‌آموزان می‌خواهیم که رفتارهای مورد انتظار ما و مراحل آن را به خوبی انجام دهند. این رفتارها و مراحل بدین قرار است :

- ۱- عبارت ناتمامی را که برای آنها در نظر گرفته‌ایم، با یک یا دو جمله کامل کنند.
- ۲- دربارهٔ جمله‌ای که کامل کرده‌اند، با یکدیگر در گروه بحث و گفت‌وگو کنند.
- ۳- بر روی بهترین جمله و طرز تلقی به توافق برسند و به عنوان محصول نهایی گروه، آن را به کلاس عرضه کنند.

۴- نظرات نهایی گروه‌ها روی تختهٔ کلاس نوشته می‌شود و بهترین نظرات مورد تأیید قرار می‌گیرند. ناگفته مشخص است که معلم در همهٔ مراحل به عنوان یک هدایتگر بر کلیهٔ این فعالیت‌ها نظارت دارد و فرایند آموزش را سامان دهی می‌کند. مطالبی که در ادامه می‌خوانید روش تدریس روشن سازی طرز تلقی است که در یکی از مدارس منطقهٔ دو شهر تهران به انجام رسیده است.

مرحلهٔ اول: تکمیل یک جمله (یا پاسخ به یک سؤال): در ابتدا از دانش‌آموزان خواستیم که هریک از آنها در گروه خود عبارت زیر را از دیدگاه خود کامل کنند.

اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند.....

مرحلهٔ دوم: دانش‌آموزان پاسخ‌های گوناگونی را در گروه خود تولید کردند.

مرحلهٔ سوم: پس از پنج دقیقه بحث و گفت‌وگو در گروه، نهایتاً یک جمله به عنوان محصول نهایی گروه‌ها آماده شد که شما نمونه‌هایی از آن را در ادامه ملاحظه می‌کنید:

گروه اول: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند باعث شکوفایی و پیشرفت شود.

گروه دوم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند آیندهٔ بهتری را همراه داشته باشد.

گروه سوم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند مردم ایران را به یکدیگر نزدیک کند و آنها را به سعادت برساند.

گروه چهارم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند مردم را به قلّهٔ پیروزی برساند و از اعماق دشمنی و کینه ورزی دور نگاه دارد.

گروه پنجم: اتحاد و همدلی مردم ایران می‌تواند ما را به خوشبختی برساند.

مرحلهٔ چهارم: جملهٔ هر گروه را بر روی تخته نوشتیم و یک یک آن جمله‌ها برای دانش‌آموزان خوانده شد و دانش‌آموزان دربارهٔ هر جمله نظر خود را بیان کردند. آنچه در این روش تدریس به دست آمد، دیدگاه‌های مثبت دانش‌آموزان نسبت به موضوع «اتحاد و همدلی مردم ایران» بود. همچنین آنها دربارهٔ ضعف‌های ویرایشی، زبانی و ادبی بودن جمله‌ها و عدم موافقت با مفهوم برخی از جمله‌ها با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو پرداختند. به عنوان مثال تعدادی از دانش‌آموزان با مفهوم جملهٔ پایانی: «اتحاد و همدلی می‌تواند مردم را به خوشبختی برساند.» خوشبختی را در زمینه‌ها و چیزهای دیگری

جست‌وجو کردند و با گروهی که این جمله را بیان کرده بودند به بحث و گفت‌وگو پرداختند؛ به گونه‌ای که بحث آنها باعث تعدیل نظر هر دو گروه شد.

روان‌خوانی: مرخصی

«مرخصی» داستان کوتاهی است که با چاشنی طنز به شیوهٔ روایت اول شخص مفرد نوشته شده است.

موضوع این داستان نمایش بی‌تابی‌ها و شور و بی‌قراری‌های شوق‌انگیز نوجوان بسیجی است برای بازگشت به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که در نگاه او دروازهٔ بهشت است. این مشتاقی و مهجوری آن‌چنان در نهاد ناآرام بسیجی نوجوان غلبه یافته است که از همان روزهای اول مرخصی به چگونه بازگشتن خود می‌اندیشد که پدر و مادر نیز مانع رفتن او نشوند.

این رغبت رفتن و عشق آگاهانه به حال و هوای جبهه را در بخش زیر، به خوبی می‌توان دریافت. آنگاه که مادرش در خانه را قفل می‌کند و مانع رفتن وی می‌شود، این نوجوان بسیجی با نهایت پاکدلی و صفای برخاسته از آبخور مذهبی می‌گوید:

«ننه در را قفل نکن. خوب است خدا سر پل صراط یقه ات را بگیرد و در بهشت را به رویت ببندد و بگوید: نمی‌گذارم بروی؟»

نویسنده در کنار نشان دادن عشق پاک نوجوان بسیجی به دین و میهن و بیان حدیث بی‌قراری‌های جوانان رشید، عواطف نرم و احساسات لطیف مادر را نیز به زیبایی به تصویر کشیده است. مثلاً می‌بینیم چندین بار از روی احساس پاک و عاطفهٔ بی‌آلایش مادرانه مانع بازگشت فرزندش می‌شود، اما شوق و شور دل سپردگی به فرمان رهبر و حلاوت دفاع از شرف و غیرت دینی میهنی، آن‌گونه در او کارگر افتاده است که پیوسته او را چونان آهوپی رمنده و گریز پا در رفتن به جبهه مشتاق و بی‌آرام ساخته است.

شخصیت‌های داستان

- ۱- راوی اول شخص که یک نوجوان ۱۴، ۱۵ سالهٔ بسیجی است.
- ۲- پدر این نوجوان بسیجی که دکاندار است و از سر عقل و بی‌غلبهٔ احساس سخن می‌گوید.
- ۳- مادر این نوجوان بسیجی که از او به عنوان «ننه» یاد می‌شود. او که سرشار از مهر و عاطفه و احساس لطیف مادرانه است.

ویژگی‌های زبانی: از نظر زبان، این داستان به سادگی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. به سبب

بهره گیری از زبانی ساده و به دور از پیچش‌های واژگانی و معنایی و به کارگیری عنصر طنز و کنایه‌های آشنا و برآمده از زبان و فرهنگ عامه، نثر داستان‌گیری و جاذبه خاصی دارد؛ مثلاً به این ترکیب‌ها و عبارت‌های محاوره‌ای و زبان گفتار توجه کنید :

- برای مدت کوتاهی می‌خواهم بروم این بغل مغل‌ها.
 - ننه ام که از دست من کلک‌های زیاد و جورواجوری خورده بود....
 - کمی من من کردم، دیدم هوا پس است و جای ماندن نیست.
 - یک مرتبه مثل فتر از جا پریدم.
 - دیدم گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست.
 - دیگر خرم از روی پل گذشته بود.
 - این قدر آب غوره نگیر.
 - آخر، کله خراب! بی خداحافظی سرت را می‌اندازی و می‌روی؟
- همین نمونه‌ها و کنایه‌های مناسب دیگر، بر شیرینی و جذابیت اثر می‌افزاید؛ به گونه‌ای که خواننده را بی احساس خستگی تا پایان به دنبال خود می‌کشاند و گهگاهی خنده‌ای ملیح بر لبان خوانند و شنونده می‌نشانند. اکنون چند نمونه از کنایه‌هایی را که در متن به کار رفته است، می‌خوانیم :
- ننه ام که گوشش از این حرف‌ها پر بود.
 - همین طور با صحبت‌هایم سرش را گرم می‌کردم.
 - دهانت بوی شیر می‌دهد.
 - خون کردی جگرم را.
 - آقاییم که گویا بو برده بود.
- عنصر دیگری که در این داستان از نقاط قوت به شمار می‌آید و در تسخیر ذهن مخاطب نقش برجسته‌ای دارد، به کارگیری تصاویر حسی و ملموس و زنده و پویا است. تصاویری که گاهی بار طنز را به همراه دارد و زمانی هم حس عاطفی عمیقی را نشان می‌دهد و سبب برانگیختن عواطف و حس و حال خواننده یا شنونده نیز می‌شود. مثلاً عبارت‌های زیر را یک بار از این دید بخوانید :
- وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم که چطور به ننه ام بگویم که باید به جبهه برگردم.
 - داشتم تند تند لباس‌ها و کتاب‌هایم را توی ساک می‌گذاشتم که ننه ام پاورچین پاورچین بالای سرم حاضر شد.
 - دسته ساک را سفت توی مشت‌م گرفتم که یک مرتبه مثل فتر از جا پریدم اما ننه ام دستم را

خواند و زود دوید طرف در مثل شیر ژیان ایستاد.

- ساکم را از سر دیوار پرت کردم توی کوچه و مثل گربه، درخت خانه مان را گرفتم و رفتم بالا.
- یک وقت دیدی که تیر آمد و جایی برای نشستن غیر از سرو کله من پیدا نکرد.
- آقايم کلاهش را کمی عقب داد. جلوی سرش را خاراند و گفت...
- قطار سوتی کشید و آرام آرام به راه افتاد رفت و رفت. دیگر آقايم و ننه ام به اندازه یک نقطه شده بودند؛ نقطه‌ای که تمام قلبم را گرفته بود.
- باد گرم، دست خود را بر صورت و چشم‌هایم می‌کشید. انگار می‌خواست اشک‌هایم را پاک کند.

محمدرضا کاتب در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در تهران به دنیا آمد.

کاتب از سنین نوجوانی به داستان نویسی روی آورد و کار خود را با طنز آغاز نمود و با حضور در «کیهان بچه‌ها» برخی از داستان‌های اولیه خود را منتشر کرد.

محمدرضا کاتب از نویسندگان خوش استعداد دهه هفتاد به شمار می‌آید. تمایل کاتب به ادبیات جدید و دارای فرم را باید در آثاری چون «پری در آبگینه» و «دوشنبه‌های آبی ماه» جست‌وجو کرد؛ دو اثری که سکویی برای نوشتن رمان «هیس» و انتشار آن در سال ۱۳۷۸ می‌شوند. وی با رمان «هیس» به شهرت رسید. این رمان جایزه برترین رمان سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات را به خود اختصاص داد. کاتب در سال ۱۳۸۱ رمان «پستی» و در سال ۱۳۸۳ «وقت تقصیر» را به چاپ رساند و چهره حقیقی خود را در قلمرو ادبیات داستانی تثبیت کرد. برخی دیگر از داستان‌های این نویسنده عبارت‌اند از:

- جای شما خالی
- چشم‌های فیروزه‌ای
- عبور از پیراهن
- می‌خواهم سر نداشته باشم.

فصل ششم

ادبیات بومی

درس چهاردهم: آزاد

درس پانزدهم: آزاد

درس چهاردهم: ادبیات بومی

اهداف آموزشی

- اهداف فصل ادبیات بومی و درس آزاد را می‌توان بدین گونه برشمرد :
- ۱- آشنایی با زبان فارسی به عنوان رمز هویت و عامل ارتباط و پیوند ایرانیان
 - ۲- آشنایی با پیشینه و گستره زبان فارسی (جغرافیای فرهنگی زبان فارسی)
 - ۳- نگرش مثبت نسبت به زبان و فرهنگ فارسی
 - ۴- توجه به ادبیات بومی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آن
 - ۵- توجه مناسب به زبان‌های محلی، گویش‌ها و لهجه‌ها
 - ۶- تشخیص کاستی‌های احتمالی کتاب و اقدام به تولید محتوای مناسب
 - ۷- پرورش توانایی تولید ماده درسی در دانش‌آموزان با نظارت و هدایت دبیران
 - ۸- پاسخ به نیازهای دبیران، دانش‌آموزان و اولیا
 - ۹- بهره‌گیری از مشارکت همکاران در تألیف کتاب
 - ۱۰- بهره‌گیری از تعامل دانش‌آموز و خانواده در سازماندهی و تألیف کتاب
 - ۱۱- آشنایی با برخی از نموده‌های فرهنگی و جلوه‌های آداب و رسوم و سنت‌های بومی یا منطقه‌ای
 - ۱۲- شناخت بیشتر شخصیت‌های علمی و فرهنگی محل زندگی و ادبیات بومی
 - ۱۳- پرورش توانایی نویسندگی و بهره‌گیری از تفکر و نقد و تحلیل
 - ۱۴- ایجاد علاقه نسبت به فرهنگ محلی و فولکلور و آثار ادبی بومی

ضرورت توجه به ادبیات بومی در برنامه درسی فارسی

در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است :

«زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است».

با توجه به این اصل و دیگر اصول قانون اساسی، اهمیت دادن به حقوق همه مردم، اقوام و گروه‌ها و احترام به آزادی‌ها و سلاقی قانونی و مشروع آنان، مهم‌ترین عامل تقویت کننده و سامان بخش وحدت و همبستگی ملت است. درک درست و تلاش در جهت اجرای صحیح آن، می‌تواند امنیت پایدار را برای نظام اسلامی میهن ما به ارمغان آورد.

مهم‌ترین راهبردها در تغییر نگرش، تأکید بر راهکارهای فرهنگی است. یکی از کار ویژه‌های مهم ساختار فرهنگی هر جامعه، تبیین درست مفهوم هویت ملی است. هویت ملی، عامل ناپیدا و سامان بخشی است که همچون خون در رگ جمعی جامعه، جاری است. ساختار فرهنگی یک جامعه نیز در تعامل دو سویه، هم به وسیله هویت ملی ایجاد می‌شود و هم خود پرورنده هویت ملی است. یکی از مهم‌ترین ارکان این ساختار فرهنگی در جامعه ما، آموزش و پرورش است. از بنیانی‌ترین وظایف این نهاد، ایجاد نگرش مثبت نسبت به هویت ملی در کنار پرورش هویت فردی در جریان تربیت است. در برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی بر بنیاد اصول حاکم بر برنامه درسی ملی در تمام دوره‌های تحصیلی به این موضوع به طور ویژه توجه شده و بر پایه آن دو عنوان «درس آزاد» در دوره ابتدایی و فصلی مستقل به نام «ادبیات بومی» در دوره سه ساله متوسطه اول در سازماندهی محتوایی، به این مسئله اختصاص یافته است.

فصل ادبیات بومی : دو درس آزاد، فرصت بسیار مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان عزیز و دبیران گرامی در تألیف بخشی از کتاب است. پیشنهاد می‌شود برای تولید محتوای درس آزاد به موضوع‌های متناسب با عنوان فصل، در قلمرو فرهنگ و ادبیات بومی و آداب محلی، نیازهای ویژه نوجوانان و دیگر ناگفته‌های کتاب توجه شود.

درس آزاد : این درس، ایستگاه اندیشیدن و درنگ کردن و آفریدن است. میدان فراخی است تا هر دانش‌آموز با نظارت و هدایت معلم، آن پاره نادیده و احتمالاً از قلم افتاده نمودهای فرهنگی و جلوه‌های آداب و رسوم و سنت‌های بومی - منطقه‌ای خود را پدیدار کند و با به بازشناسی و معرفی چهره‌های فکر

و فرهنگ و ادب دیار خویش بپردازد؛ بنابراین درس آزاد، مجالی است تا دانش‌آموز و معلم به یاری هم، به فراخور ذوق و علاقه، دلبستگی‌های فرهنگ بومی و نیازها و بایسته‌هایی که در دیگر درس‌ها به چشم نیامده‌اند، یا نیاز به دگرباره و دقیق‌تر و عمیق‌تر دیدن دارند، بازگو نمایند. به بیان دیگر درس آزاد، فرصتی است تا دانش‌آموز و معلم در تألیف کتاب مشارکت داشته باشند و هر یک خود را در شکل‌گیری کتاب سهیم ببینند و کتاب را از آن خود بدانند؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان پس از تألیف درس آزاد می‌توانند نام خود را در ردیف نام پدیدآورندگان کتاب ثبت کنند.

روش‌های تولید درس آزاد

برای نوشتن و تولید درس آزاد یکی از روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- هر دانش‌آموزی به صورت مستقل و فردی برای تولید درس آزاد اقدام کند.
 - ۲- دانش‌آموزان به صورت گروهی و با مشارکت تمام افراد گروه (تقسیم‌بندی دانش‌آموزان کلاس به چند گروه) برای تولید درس آزاد اقدام کنند.
 - ۳- تولید درس در کلاس (مجموعه نظرهای کلاس با راهنمایی و رهبری معلم کلاس)
- توجه:** موضوعاتی متناسب با عنوان و محتوای فصل در حوزه فرهنگ، زبان و آداب محلی، نیازهای ویژه دانش‌آموزان و ناگفته‌های کتاب، در این قسمت پیشنهاد می‌شود.

روش‌های پیشنهادی تدریس روان‌خوانی

- روان‌خوانی را با روش‌های گوناگون می‌توان تدریس کرد. یکی از روش‌های پیشنهادی، الگوی بحث گروهی است.
- دانش‌آموزان در گروه‌های خود در زمینه زبان فارسی، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و پیشینه آن گفت‌وگو می‌کنند.
- می‌توان با استفاده از منابعی که در اختیار گروه‌ها قرار می‌گیرد، این مطالعات را جهت و عمق بخشید.
- پس از گفت‌وگو نماینده هر گروه، نتایج بحث آنها را به کلاس عرضه می‌کند.
- حاصل گفت‌وگوها و نقد و نظرها، تصویری روشن‌تر از زبان فارسی را به دانش‌آموزان خواهد داد.
- درس پس از گفت‌وگوها در کلاس خوانده می‌شود.

روان خوانی: چرا زبان فارسی را دوست داریم؟

نکات مهم روان خوانی: زبان بخشی از فرهنگ و مهم ترین و بنیادی ترین بخش فرهنگ

است؛ چرا که فرهنگ در ظرف زبان، عرضه می شود و زبان فارسی با همه توان و استعدادش قرن هاست که حاصل فرهنگ و اندیشه و ذوق ایرانی بوده است.

زبان فارسی با ادبیات فارسی پیوند تنگاتنگ دارد. ادبیات زبان برتر است و زبان پل ارتباط گویسوران زبان. زبان فارسی تکیه گاه ذوق و جوشش درونی و اندیشه های زیبا و بی پایان ایرانی بوده است. ادبیات از زبان سیراب می شود و استعداد و ظرفیت های زبان محمل آفرینش های هنری و ادبی است.

می توان به شیوه روشن سازی طرز تلقی به تدریس پرداخت. الگوی پیشنهادی دیگر مانند الگوی پرسش و پاسخ و استفاده از تفکر استقرایی نیز ظرف های مناسب برای تدریس اند.

۱- نویسنده دلایل عشق و رزی خود به زبان فارسی را ابتدا در پیوند و ارتباط با فارسی زبانان جهان و ایرانیان و هموطنان، و دوم پیوند با نیاکان و شنیدن صدای آنان از آن سوی قرون و اعصار به مدد خواندن آثار مکتوب می داند.

از این نظرگاه دو کارکرد ارتباطی زبان با گذشته و اکنون مطرح می شود. زبان فارسی ما را به ذخایر عظیم فرهنگی و منابع درخشان و گران سنگ شعر و نثر گذشته متصل می کند و امکان بهره گیری از آن را فراهم می سازد.

کارکرد مهم دیگر زبان فارسی، پیوندی است که با فارسی زبانان دیگر کشورها مانند افغانستان و تاجیکستان و شیفتگان به این زبان در هر جای دنیا می یابیم.

۲- زبان فارسی از خانواده زبان های هند و اروپایی است که شامل زبان های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، سوئدی، نروژی، دانمارکی، هلندی، لتوانی، لتونی و بسیاری زبان های دیگر می شود.

زبان های ایرانی شامل سه دوره اصلی می شوند؛ دوره باستان، دوره میانه و دوره جدید. دوره باستان شامل آثار و نوشته هایی است که تا انقراض حکومت هخامنشی ادامه داشته است. دوران زبان های ایرانی میانه از آغاز پادشاهی اشکانیان تا دوران اسلام است و دوران جدید از آغاز دوره اسلامی است که در ایران متداول می شود و به عنوان زبان فارسی دری شهرت می یابد. این زبان، زبان رسمی، اداری و وسیله ارتباط ذهنی و معنوی همه ایرانیان در طول این قرن ها و سال ها بوده است. فارسی دری زبان دولتی دستگاه ساسانی بوده و به همین سبب در نخستین دولت های مستقل یا

نیمه مستقل ایرانی بعد از اسلام در مشرق ایران رسمیت و رواج داشته است.

۳- نویسنده در تشبیهاتی زیبا، لالایی‌ها و ترانه‌های مادران در کنار گهواره را به نسیم مهربان و پری لطیف که برگونه کشیده می‌شود، تشبیه کرده است.

لالایی‌ها، سروده‌های ساده و صمیمی هستند که عمدتاً سراینده آنها معلوم نیست. این سروده‌ها در شبانگاه و صبحگاه و همه‌گاه، نرم و آرام و خوش‌آهنگ زمزمه می‌شده است تا آرامش و خواب را مهمان کودکان سازد. در لالایی‌ها که معمولاً وزن دو بیتی داشته‌اند، مفاهیم لطیف اخلاقی، اجتماعی و گاه سیاسی دیده می‌شود.

نویسنده جز لالایی‌ها و ترانه‌ها، به زمزمه‌های زنان شالی کار شمال و خواندن اشعار حماسی شاهنامه در زورخانه‌ها اشاره کرده است که هم اکنون نیز روح پهلوانی و جوانمردی و عشق به ایران و زبان فارسی را در جان‌ها گرم و زنده نگه می‌دارد.

پایان متن نگرانی و دغدغه نویسنده را از تحقیق زبان فارسی یا آفت پذیری و خدشه آن نشان می‌دهد. برخی از عناصر تهدیدکننده زبان عبارت‌اند از:

- ۱- ورود واژگان و ساختار نحوی زبان‌های دیگر به زبان فارسی
 - ۲- ترجمه‌های شتاب زده، سطحی و بدون شناخت زبان مبدأ و مقصد که باعث درهم ریختن ساختار زبان و مخدوش شدن آن می‌شود.
 - ۳- فقدان معادل‌ها (برابر نهاده‌های فارسی برای واژگان بیگانه) و به کار نگرفتن واژه‌های برخاسته از فرهنگ شفاهی و مکتوب
 - ۴- بی رغبتی و بی توجهی به فرهنگ، زبان و ادبیات گذشته
 - ۵- حذف و فراموشی زبان فارسی در کشورهایی که زمانی با این زبان سخن می‌گفته‌اند یا هنوز در آن کشورها گویشورانی به این زبان وجود دارد.
 - ۶- غفلت از طرح و انتقال فرهنگ و زبان فارسی به دیگر کشورها
 - ۷- فراموشی خط فارسی به عنوان ظرف بلورین و جامه فاخر زبان فارسی
- نویسنده متن، در پایانی زیبا، چند بیت از حافظ را که بیت پایانی آن از کمال الدین اصفهانی است، به کار گرفته که در متن درس تنها بیت «کمال» آمده است.

من جرعه نوش بزم تو بودم هزار سال کی ترک آبخورد کند طبع خوگرم
ور باورت نمی‌شود از بنده این حدیث از گفته کمال دلیلی بیاورم

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم

متن روان خوانی برگرفته از سرمقاله نامه فرهنگستان (شماره اول، دوره هفتم، خردادماه ۱۳۸۴) است. نامه فرهنگستان، فصل نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که تا زمان انتشار این شماره (خرداد ۱۳۸۴) مدیر مسئول آن دکتر غلامعلی حدّاد عادل و سردبیر آن احمد سمیعی گیلانی بوده است. در نامه فرهنگستان مقالات ارزنده و وزین در باب زبان و ادبیات فارسی به چاپ می‌رسد. سرمقاله مذکور، چهار صفحه نخستین نامه فرهنگستان را به خود اختصاص داده است. نویسنده سرمقاله، دکتر غلامعلی حدّاد عادل در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شده است. وی در سال ۱۳۴۲ از دبیرستان علوی در رشته ریاضی دیپلم گرفت. در سال ۱۳۴۵ لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۴۷ فوق لیسانس در همین رشته را از دانشگاه شیراز اخذ کرد و به تدریس در همان دانشگاه پرداخت.

حدّاد عادل در سال‌های اختناق و مبارزه، به دلیل فعالیت‌های سیاسی و ارتباط با چهره‌های بزرگ دینی از دانشگاه اخراج شد و به تهران آمد. علاقه‌مندی به حوزه علوم انسانی، حدّاد عادل را به تحصیل در رشته علوم اجتماعی و سپس فلسفه سوق داد. در سال ۱۳۵۱ دوره دکتری فلسفه را در همان دانشگاه ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکترا گردید.

دکتر حدّاد عادل جز تدریس در دانشگاه، مسئولیت‌هایی چون ریاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مدیرعامل بنیاد دایرة المعارف اسلامی، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ریاست مجلس شورای اسلامی را به عهده داشته است. وی علاوه بر تألیف ۱۵ جلد کتاب درسی آثار دیگری چون ترجمه «تمهیدات» ایمانوئل کانت، «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» را در کارنامه علمی خویش دارد. قلم و نثر دکتر حدّاد عادل، روان و سلیس، محکم و استوار، ساده و دلنشین، و زیبا و هنرمندانه است. دکتر حدّاد عادل شعر نیز می‌گوید و سروده‌های وی در قالب‌هایی چون غزل، قصیده، مثنوی و... طراوت و لطف خاصی دارد.

فصل هفتم

ادبیات جهان

(درس شانزدهم، درس هفدهم)

روان‌خوانی (پیردانا)

درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با یک نمونه از ادبیات جهان
- ۲- تقویت حس عاطفی و تخیل دانش‌آموزان
- ۳- آشنایی با داستان نمادی «رمزی»
- ۴- شناخت بیشتر فعل آینده (مستقبل)
- ۵- شناخت رمز (سمبل) در ادبیات فارسی

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را با روش‌های گوناگون می‌توان آموزش داد:

- ۱- بحث گروهی
- ۲- کارایی گروه
- ۳- ایفای نقش

بهترین روش برای آموزش این درس روش نمایشی (ایفای نقش) است. اگر بخواهیم این درس را مبتنی بر روش بحث گروهی آموزش دهیم، مراحل زیر اعمال خواهد شد:

- ۱- ابتدا از همه دانش‌آموزان می‌خواهیم به طور فردی درس را بخوانند.

۲- با طرح دو پرسش دانش‌آموزان را به تفکر وامی داریم؛ مثلاً:

الف - چرا آدم آهنی به همه سؤال‌ها پاسخ یکسان می‌داد؟

ب - چه عاملی باعث تحول زندگی آدم آهنی شد؟

پس از سه، چهار دقیقه فرصت، پاسخ پرسش‌ها را از چند دانش‌آموز می‌خواهیم و درباره پاسخ‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کنیم.

سپس درس به طور کامل خوانده می‌شود (توسط معلم یا چند دانش‌آموز).

مدیر یادگیری باید پس از تمام شدن درس از دانش‌آموزان بخواهد پیام اصلی داستان را بیان کنند، سپس در پایان خود به جمع‌بندی نظرات بپردازد و پیام اصلی درس را بگوید.

نکات مهم درس

پیام اصلی داستان: آدم آهنی مظهر آدم بی‌عاطفه و ماشین زده است و نشان‌دهنده تمدن خشک غرب است که عاطفه را نمی‌فهمد.

در این داستان موجود بی‌احساس، یعنی آدم آهنی در اثر محبت یک شاپرک تغییر رفتار می‌دهد. این تغییر در آدم آهنی شعر مشهور مولوی را به یاد می‌آورد: «از محبت خارها گل می‌شود».

اطلاعات کمکی

آشنایی با نویسنده داستان و تحلیلی بر داستان آدم آهنی و شاپرک

آدم آهنی و شاپرک نوشته خانم ویتا تو ژیلینسکای متولد ۱۹۳۳ است. این داستان از کتاب «ملخ شجاع» (مجموعه ۴ داستان به نام‌های: دانه برفی که آب نشد، ملخ شجاع، کرم کنجکاو و آدم آهنی و شاپرک) گرفته شده است. کتاب توسط مؤسسه کتاب همراه به چاپ رسیده و خانم ناهید آزادمنش مترجم آن است.

خانم ژیلینسکای در ویلپنوس، پایتخت لیتوانی زندگی کرده است. لیتوانی کشوری باستانی است و آوازه‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های قدیمی بسیاری دارد. محققان لیتوانیایی بیش از سیصد ترانه بومی سرزمین خود را ثبت کرده‌اند. امروزه بچه‌های لیتوانی نه تنها قصه‌های باستانی بلکه قصه‌هایی را که خانم ژیلینسکای برایشان نوشته است، می‌خوانند و با پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شوند که هرگز در قصه‌های قدیمی نیامده است؛ پدیده‌هایی مثل تلویزیون، آدم آهنی و شاپرک.

خانم ژیلینسکای شعر هم سروده است و داستان‌های فکاهی، رمان و نمایش نامه نیز دارد. وی

کتاب‌های زیادی منتشر کرده است که نه تنها در میان مردم لیتوانی، بلکه در روسیه و کشورهای دیگر هم علاقه‌مندان زیادی پیدا کرده‌اند. حشرات کوچک، کرم‌ها و پروانه‌ها قهرمانان بسیاری از قصه‌های وی هستند؛ اما این قهرمانان در بستر گل‌های سرخ زندگی نمی‌کنند و اندوه مرگ را می‌شناسند. خانم ژیلینسکای عقیده دارد: «پنهان کردن مسائلی مثل غصه، درد و مرگ از کودکان درست نیست؛ زیرا کودکان نیز باید با جنبه‌های گوناگون زندگی آشنا شوند و به موجودات اطرافشان که حق زندگی کردن و شاد بودن دارند، توجه کنند».

داستان آدم آهنی و شاپرک حاوی پیامی لطیف است. موجودی بی احساس (آدم آهنی) در اثر محبت یک شاپرک تغییر رفتار می‌دهد. نویسنده از جان بخشی استفاده کرده و از آرزو، غم، شادی و ترس، سخن به میان آورده است.

در ادامه، نقد و تحلیل مختصر و مفید این داستان را به قلم آقای «علی پورامن» از دبیران شهرستان تالش که در مجله «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» دوره دوازدهم، شماره بی در بی ۵۴ دی ماه ۱۳۸۵ به چاپ رسید، با هم می‌خوانیم.

کالبدشکافی داستان آدم آهنی و شاپرک

قهرمان اصلی داستان یعنی تروم، در یک نمایشگاه الکترونیکی به نمایش گذاشته است. این آدم آهنی فقط قادر است به سؤال‌هایی که در حافظه‌اش طراحی شده، پاسخ گوید. پاسخ‌های تروم، برای بازدیدکنندگانی که از او سؤال می‌کنند، بسیار جالب و شادی آور است. کار هر روز او این است که با پاسخ گفتن به سؤال‌های از پیش طراحی شده، مایه سرگرمی و خنده دیگران را فراهم آورد.

اما شبی از شب‌ها، شاپرکی بر شانه او می‌نشیند و با لطافت روح خویش، تروم را از تکرار و ماشینی بودن، به سوی تغییر و تحول سوق می‌دهد. با ادامه این ملاقات‌ها، روح آگاهی و تحول در کالبد تروم دمیده می‌شود و سرانجام با مرگ شاپرک به دست خفاش و در حالی که تروم نظاره‌گر ماجراست و عاجز از کمک به شاپرک، داستان به اوج خود می‌رسد.

شاپرک از ترس خفاش به تروم پناه آورده و تروم که همیشه می‌خواست است، علاقه‌اش به شاپرک را روزی به زبان بیاورد، اکنون شاهد مرگ اوست.

تروم تلاش می‌کند به او کمک کند ولی نمی‌تواند از قالب خشک و بی روح خود در بیاید. سرانجام شاپرک زخم خورده از خفاش در پای تروم جان می‌دهد؛ اما گویی با مرگ خود، روح لطیفش را در تن آهنی تروم می‌دمد و او را روحی انسانی می‌بخشد. تروم عشق یافته، دیگر از خود نمی‌گوید، بلکه مدام

از «بال بالی» همان شاپرک معصوم می‌گوید که روح نازک و لطیفش را به او هدیه کرده است. این امر باعث می‌شود که او را خراب شده بدانند و پستونشین کنند. تروم دیگر حاضر نیست لذتی را که یافته با چیز دیگری عوض کند.

نویسنده، شخصیت‌های داستانی اش را بسیار ماهرانه انتخاب کرده است. آدم آهنی نماد انسان ماشینی و مسخ شده است و از خود اراده و اختیاری ندارد؛ بی روح است و خالی از عشق و عاطفه. شاپرکی با نام «بال بالی» که فرشتهٔ عشق و عاطفه است و معصومیتی ساده و کودکانه دارد؛ و سرانجام خفاش که نماد روزگوری است، حقیقت را نمی‌بیند و قاتل عشق و عاطفه است.

نویسنده با استفاده از شیوهٔ تشخیص (Personification) خیلی زیبا و ماهرانه توانسته است شخصیت‌های داستانش را بی‌رورد و از زبان آنها حرف بزند.

شخصیت اصلی داستان، تروم همان‌گونه که گفته شد نماد شخصیتی مسخ شده و محکوم به انجماد اندیشه است. تروم تنها کارش این است که به سؤال‌های پیش پا افتاده و معمولی جواب بدهد و اساساً نباید فراتر از آنچه برایش تعریف کرده‌اند، بیندیشد و بگوید.

اما اتفاق جالبی می‌افتد و این اتفاق جالب، تروم را از آن‌گونه بودن خارج و به آن‌گونه که می‌تواند باشد، رهنمون می‌شود.

فرشتهٔ عشق (شاپرک)، بر شانه اش می‌نشیند و حدیث دوستی آغاز می‌شود و این عشق و محبت با هر بار دیدار مجدد و بوسهٔ شاپرک بر گونه‌های آدم آهنی روحی انسانی می‌بخشد. تا جایی که از خود خارج می‌شود و همهٔ وجودش «بال بالی» می‌شود. «بال بالی گفت... که روی درخت... بلوط... متولد... شده».

نفحه‌های آسمانی همواره می‌وزد تا روح ما را که گرفتار روزمرگی و عادت شده است، به جهانی فراتر از آنچه هستیم، سوق دهد. گروهی خود را در معرض آن قرار می‌دهند و پرواز می‌کنند و گروهی پایست زنجیر عادت می‌شوند و همچنان فرصت‌های طلایی برای رهایی از این انجماد را از دست می‌دهند. مولانا در تفسیر حدیث «ان لربکم فی ایام دهرکم نفعات الا فتعرضوا لها، همانا برای پروردگارتان در طول روزهای روزگارتان، بوهای خوشی است، هان، خود را در معرض آن قرار دهید تا از آن برخوردار گردید» می‌گوید:

گفت پیغمبر که نفعات‌های حق	اندرین ایام می‌آرد سَبَق
گوش و هوش دارید این اوقات را	در ربایید این چنین نفعات را
نفحه آمد مر شما را دید و رفت	هر که را می‌خواست جان بخشید و رفت

نفعه دیگر رسید آگاه باش تا ازین هم وانمانی، خواجه تاش
داستان دو قسمت دارد: قسمت نخست تفسیر همین مضمون «نفحات رحمانی» است که آدم آهنی
قصه ما در معرض آن قرار می‌گیرد و قسمت دوم تفسیر تأثیر نفعه‌های رحمانی و اینکه:
از محبت خارها گل می‌شود
وز محبت سرکه‌ها مل می‌شود

بوسه در عرفان یعنی چشمش و برخورداری از دم لطف و نفس روحانی. نویسنده به زیبایی و در
جای مناسب، آن را به کار برده است. شاپرک، هر بوسه‌ای که بر گونه آدم آهنی می‌نشانند، او را از لذتی
روحانی برخوردار می‌سازد و عشق در وجودش جاری می‌شود و به تدریج مس وجودش در اثر همین
کیمیای عشق، زرین می‌شود و به درجه آگاهی می‌رسد.

نکته اصلی و البته غمناک داستان هم در این قسمت نهفته است که دیگران آگاهی او را بر نمی‌تابند؛
دوست ندارند که برخلاف عادت‌های آنها رفتار کند یا چیزی باشد غیر از آنچه آنها می‌خواهند. اینکه
چرا اندیشه‌های مترقی و احیاناً معترض – در بیشتر جوامع – واکنش بازدارنده دیگران را برمی‌انگیزد،
خود سؤال است. منصور حلاج از دار به دار گشت، چون به درجه‌ای از آگاهی رسیده بود که اوضاع
زمانه آن را بر نمی‌تافت و چه بسیارند انسان‌هایی که زورق اندیشه آنها گرفتار گردباد حوادث شده است.
به هر حال، آدم آهنی داستان ما نیز وقتی که آگاه می‌شود، در چاه می‌شود: «ملافه بزرگ و
سفیدی آوردند و آدم آهنی را با آن پوشاندند. روی ملافه، اعلان بزرگی زده شد که روی آن نوشته بود:
خراب است».

تروم به لذت انسان بودن دست می‌یابد و ظاهرینان آن را انتهای کار می‌بینند. حال آنکه تروم
در زیر آن ملافه بزرگ کفن مانند، غرق در لذتی عاشقانه است: «وقتی باد از بیرون به داخل سالن
نمایشگاه می‌وزید و با خود رایحه گل‌های درخت بلوط و صدای خش خش برگ‌هایش را می‌آورد،
صدای شکسته و آهسته‌ای از زیر ملافه سفید می‌آمد. به نظر می‌رسید که کسی چیزی یاد می‌گیرد و دائم
می‌گوید: بال بالی... بلوط... به او آسیب رسید.»

در نهایت باید گفت: داستان بیانی ساده و کودکانه دارد و همین امر باعث شده از همان آغاز،
خواننده در داستان ادغام شود و خود را یکی از شخصیت‌های داستان پندارد و لحظه لحظه و سطر به سطر
بر جذبه و شور و حالش افزوده گردد و بیشتر محو داستان شود.

خود شاپرک (بال بالی) نیز معصومیتی کودکانه دارد و با گفتار و کرداری بی‌آلایش و متفاوت با
سایرین که کارشان خندیدن به گفتار و کردار آدم آهنی است، در دل آهنی او نفوذ پیدا می‌کند و با ایشار
تمام به او فرصت زندگی و پرواز می‌دهد.

نکته دیگر اینکه، این داستان شبیه داستان «پینوکیو» است که دانش‌آموزان با آن آشنایی دارند. نمادهای هر دو داستان هم تقریباً یکی است. در این داستان شاپرک، فرشته عشق است و در آن داستان «پری مهربان». در اینجا خفاش داریم و در آنجا «گره زره و روباه مکار» و محتوای هر دو نیز تقریباً یکی است. پینوکیو عروسکی چوبی است که «پدر ژپتو» آن را ساخته است و چون از روح پدرانۀ خویش بر آن دمیده، خلق و خوبی انسانی پیدا کرده است. گره زره و روباه مکار، نیروی شر وجود او هستند و دائم تلاش می‌کنند او را از درجه انسانی ساقط کنند و به درجه حیوانی تنزل دهند. چنان که می‌بینیم پینوکیو تبدیل به دراز گوش می‌شود یا هر وقت دروغ می‌گوید، دماغش دراز می‌گردد؛ اما پری مهربان که نماد نفع‌های رحمانی است، با نیروی عشق هر بار به کمک او می‌شتابد و او را متوجه روح انسانی اش می‌سازد و بدین ترتیب پس از ماجراهای فراوان، پینوکیو قالبی انسانی می‌گیرد و متعالی می‌شود.

کوتاه سخن اینکه چنین داستان‌هایی روح لطیف و بکر دانش‌آموزان را که هر لحظه در معرض تهدید و تخریب قرار دارند، لطافتی دوباره می‌بخشد و از آسیب پذیری آن می‌کاهد. چیزی که امروز بیش از هر زمان دیگر بدان نیازمندیم.

درس هفدهم: ما می توانیم

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نمونه‌ای از ادبیات جهان
- ۲- درک مشترکات و تفاوت‌های ادبیات ایران و جهان
- ۳- آشنایی با ترجمه و مترجم
- ۴- تقویت روحیه خودباوری و مثبت اندیشی در کارها
- ۵- شناخت بیشتر واژگان ساده و غیرساده

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را می‌توان با روش روشن سازی طرز تلقی تدریس کرد. استفاده از روش نمایش و ایفای نقش و روش بحث گروهی نیز مطلوب و مناسب است.

نکات مهم درس

درس «ما می‌توانیم» نمونه‌ای روان، ساده و زیبا از متون جهانی است که گذشته از همخوانی فرهنگی با جامعه ایران، با دنیای ویژه دانش‌آموزان و شرایط و ویژگی‌های سنی آنان سازگار است. درس دارای ساختاری داستانی است. داستان از زبان اول شخص (بازرس) بیان می‌شود. معلم مدرسه (دونا)، با شگردی زیرکانه و نمایشی بدیع، خود کم بینی، خودناباوری و القائات منفی را از ذهن دانش‌آموزان دور می‌کند و می‌کوشد امید به آینده و تلاش و کوشش را با اتکا به توانایی‌های دانش‌آموزان در آنها زنده کند. مراسم تشییع جنازه «نمی‌توانم» و سخنرانی «دونا» در این مراسم این پیام مهم و کلیدی را با خویش دارد که هرگز به خویش القا نکنید که نمی‌توانم. بازرس می‌گوید: فهمیدم که این دانش‌آموزان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد. دلیل سخن او این است که آموزش همراه با هیجان، فعالیت و به صورت عملی بوده است و چون همه دانش‌آموزان در پیشبرد هدف نهایی معلم مشارکت داشته‌اند، هیچ‌گاه آن روز را فراموش نمی‌کنند. نویسنده داستان «ما می‌توانیم» (عنوان اصلی درس «مراسم تدفین نمی‌توانم» بوده است.) کلیک مورمان است.

توضیحات ضروری

- ۱- متن داستان خاطره یا خاطره داستان است؛ با بافت و ساختی که وجه داستانی آن را پررنگ تر می‌سازد. این گونه داستان‌ها را داستان کوتاه (Short Story) می‌گویند.
 - ۲- اوج داستان، دفن کردن «نمی‌توانم‌ها» است که بعد از آن گره‌گشایی (عقدده‌گشایی) می‌شود.
 - ۳- نکته جالب توجه برگزاری مجلس ترحیم «نمی‌توانم» در کلاس و نصب اعلامیه ترحیم (نمی‌توانم، تاریخ فوت و...) بالای تخته سیاه کلاس است.
 - ۴- این درس را با استفاده از نمایش و ایفای نقش، مباحثه (اعضای گروه) و آزادخوانی می‌توان اجرا کرد.
- استفاده از فیلم یا کتاب داستان که محتوایی مشابه متن درس داشته باشد؛ مثلاً نشان دادن جانبازانی که علی‌رغم نداشتن برخی اعضا موفقیت چشمگیر علمی یا ورزشی و هنری کسب کرده‌اند، مناسب است. از فیلم‌ها، لوح فشرده‌ها (CD) و کتاب‌های مناسب در این زمینه می‌توان بهره گرفت.
- ۵- ترجمه و برگردان جمله‌های عربی و انگلیسی نکته درس :
- الف) حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «از کف دادن فرصت» سبب اندوه می‌شود. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۱۸).
- ب) این داستان، آخرین درس است. نظر شما درباره آن چیست؟

روان خوانی: پیر دانا

اکنون که به فرجام کتاب و کار آموزش رسیدید. انتظار این است که دانش‌آموزان عزیز به کمک و راهنمایی و هدایت و نظارت شما دبیران گرامی با توجه به نمونه‌های پیشین بتوانند افزون بر محقق ساختن اهداف اصلی «روان خوانی» در این متن پس از خوانش آن، عناصر زیر را از راه گفتگو و تحلیل اثر توضیح دهند.

– زاویه دید

– شخصیت‌های داستان و ویژگی‌های هر یک

– درون‌مایه یا محتوای داستان

یکی از شگردهای خوبی که نویسنده در این داستان از آن سود برده است، به کارگیری «الگوی حل مسئله» و مسئله‌آفرینی در فرایند حوادث است. این ویژگی سبب گیرایی و کشش اثر شده است. خوب است همکاران ارجمند از این ویژگی برای پویایی و ایجاد فرصت تفکر بیشتر در دانش‌آموزان

استفاده کنند.

نیایش

خواجوی کرمانی : کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به خواجو در سال ۶۷۹ هـ. ق در کرمان زاده شد. ابتدا فضایل روزگار را در زادگاه خود آموخت و سپس به سیر و سیاحت پرداخت. در ضمن این سفرها به ملاقات علاء‌الدین سمنانی که از بزرگان صوفیه بود، نائل آمد و حلقهٔ ارادت او را در گوش کرد. وی در مدت اقامت در شیراز با بزرگان و فضلالی شیراز چون حافظ معاشرت داشت. خواجو قصاید عرفانی بسیار دارد و از حیث سلیقه مقلد شیخ سعدی است و در غزل سرایی مورد پسند حافظ؛ چنان که حافظ می‌گوید :

استاد غزل، سعدی است پیش همه کس اما دارد سخن حافظ، طرز سخن خواجو
خواجو گذشته از دیوان اشعار، مثنوی‌هایی به سبک نظامی دارد و خمسه‌ای به وجود آورده که
اسامی آنها بدین قرار است :

۱- همای و همایون

۲- گل و نوروز

۳- کمال نامه

۴- روضه الانوار

۵- گوهرنامه

وفات خواجو به سال ۷۵۳ هـ. ق اتفاق افتاد.

نقل به اختصار از لغت نامه دهخدا

کتاب‌های متناسب با برنامه درسی فارسی دوره اول متوسطه

سال انتشار	ناشر	نویسنده / مترجم	نام کتاب
۱۳۸۳	مهاجر	محمدرضا محمدی نیکو	آرش کمانگیر
۱۳۷۹	پیک بهار	محمدرضا یوسفی	آینه‌ها
۱۳۸۳	مهاجر	محمود مشرف آزاد تهرانی	افسانه شاهان و پهلوانان (ضحاک و کاوه آهنگر)
۱۳۸۰	مدرسه	جعفر ربانی	از انشا تا نویسندگی
۱۳۷۹	پیک بهار	محمدرضا یوسفی	پروانه‌ها (داستان‌های کوتاه)
۱۳۷۹	عابد	علی فرخ مهر	پرورش فکر و آشنایی با انشانویسی
۱۳۸۷	لوح زرین	محمود حکیمی	گشت و گذاری در لطیفه‌های ادبی
۱۳۷۹	پیرایش	شکوه قاسم نیا	تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان (قصه‌های هزار و یک شب)
۱۳۷۹	پیرایش	مرجان کشاورزی آزاد	تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان (قصه‌های سیاست‌نامه)
۱۳۸۷	سوره مهر	محمدرضا سرشار (رهگذر)	جایزه
۱۳۸۰	مؤسسه توسعه روستایی ایران	فرزین خجسته	تمثیل‌های دریایی
۱۳۷۹	کانون پرورش فکری	افشین علا	خاطرات مه گرفته
۱۳۷۹	کانون پرورش فکری	محمدعلی شاکری یکتا	خداوندگار کوچک
۱۳۹۲	نشر تیرگان	فریدون اکبری شلدره - منوچهر علی پور	زبان آموزی و شعر
۱۳۸۵	نشر واج	سعید وزیری	خاتون معارف ایران
۱۳۸۶	راه‌اندیشه	محمدرضا سنگری و دیگران	با گهرهای فراوان
۱۳۷۹	پیرایش	مسلم ناصری	سروها ایستاده می‌میرند
۱۳۸۶	مدرسه	امیرمهدی مراد حاصل	شکوفه بر شمشیر

۱۳۹۱	معین	هوشنگ مرادی کرمانی	آب انبار
۱۳۷۹	ندای اندیشه	امرالله ذوالفقاری	ضرب المثلها و سخنان حکمت آمیز
۱۳۷۹	قدیانی	جعفر ابراهیمی	قصه‌های دلنشین ادبی فارسی
۱۳۷۹	اسپید	مهدی کاموس	کودکی و نوجوانی معصومان (ع)
۱۳۷۹	پارس	شهرام رجب زاده	گلچین سخن فارسی
۱۳۸۴	پیام نور	امیر مهدی مراد حاصل	گل مریم
۱۳۸۶	سوره مهر	محمد رضا سرشار (رهگذر)	هستم اگر می‌روم
۱۳۷۹	مدرسه	محمد کاظم مزینانی	ماه در گهواره
۱۳۷۹	دفتر انتشارات کمک آموزشی	نویسندگان مختلف	مجموعه چهره‌های درخشان
۱۳۸۱	افق	آتوسا صالحی	مجموعه قصه‌های شاهنامه
۱۳۷۹	وثوق	محمود جویباری	نامه‌هایی به خدا
۱۳۸۳	محراب قلم	افسانه شعبان نژاد	یک آسمان سلام

- آرن پور، یحیی، از صبا تا نیما، چاپ ۲ شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۱.
- آرن پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، زوار، ج ۳، ۱۳۷۶.
- ابراهیمی، نادر، سه دیدار، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- اعتصامی، پروین، دیوان شعر، با مقدمه ملک الشعرای بهار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
- اکبری شیلدره، حصاری و خاتمی، مبانی خواندن در زبان فارسی، انتشارات لوح زرین، تهران، چاپ اول و دوم، ۱۳۹۱.
- اکبری شیلدره، قاسم پور، یارویی، ادبیات کودکان و نوجوانان، انتشارات آیندگان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- امین پور، قیصر، آینه‌های ناگهان، افق، تهران، ۱۳۷۵.
- امین پور، مثل چشمه مثل رود، سروش، تهران، ۱۳۷۲.
- ابید، طاهره، التماس مرغابی‌ها، آستان قدس رضوی (مجموعه سه داستان درباره حضرت علی (ع) برای نوجوانان).
- باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر، انتشارات آگاه، ۱۳۴۹.
- باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۸.
- باقری، مهری، مقدمات زبان شناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۴.
- بهار، محمد تقی، سبک شناسی، کتاب‌های پرستو، تهران، ۱۳۴۹.
- بیات، میترا، داستان‌های کوتاه امروز، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- جیمز فلاوپیتر، اج سالوس، زبان و مهارت‌های زبان، ترجمه علی آخشینی، چاپ اول، آستان قدس، ۱۳۶۹.
- حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، انتشارات روشنگران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- حقوقی، محمد، شعر نو از آغاز تا امروز، یوشیج، ۱۳۶۹.
- حکیمی، محمود، سخنی درباره ادبیات کودک و نوجوان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
- خیام، رباعیات، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران، ۱۳۲۱.
- دیوبی چمبرز، قصه‌گویی و نمایش خلاق، ترجمه ثریا قزل‌ایاغ، چاپ چهارم، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
- رهگذر، رضا، و اما بعد، انتشارات حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، جاویدان، تهران، ۱۳۵۷.
- سرشار، محمدرضا، الفبای قصه نویسی، چاپ دوم، پیام آزادی، ۱۳۷۷.
- سپهری، سهراب، هشت کتاب، کتاب خانه طهوری، ۱۳۵۸.

- سمیعی، احمد، نگارش و ویرایش، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر، ادبیات کودک و نوجوان، چاپ نوزدهم، اطلاعات ۱۳۷۹.
- شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، فردوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، فردوس، تهران، ۱۳۶۸.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، امیرکبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
- صفوی، کورش، نگاهی به پیشینه زبان فارسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۷.
- فتحی، مهدی، یک آسمان ستاره، اسپید، ۱۳۷۹.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۰.
- کاشفی خوانساری، سید علی، چهره‌های ادبیات کودکان و نوجوانان، روزگار، ۱۳۷۸.
- گلدان‌ساز، سید محسن، پروفیسور حسابی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
- محمدی، حسنعلی، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، نشر ارغنون، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- مرادی کرمانی، هوشنگ، قصه‌های مجید، انتشارات معین، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۸.
- مستوفی، عبدالله، سرگذشت زندگانی من (۳ جلد)، انتشارات زوّار، تهران.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، قم، چاپ نهم، ۱۳۵۷.
- ملا محمدی، مجید، مهربان‌ترین پدر، خاطراتی از زندگی امام خمینی (ره)، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.
- میرصادقی، جمال، جهان داستان، نشر نارون، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، انتشارات شفا، ۱۳۶۶.
- میرصادقی، جمال، داستان و ادبیات، نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- نائل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ۳ جلد، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
- وزین پور، نادر، فن نویسندگی، مؤسسه عالی علوم ارتباطات، ۱۳۴۹.
- ونیز اسکاریت، ادبیات کودک و نوجوان در اروپا، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، چاپ اول، کانون مشهد، ۱۳۷۶.
- همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، ۱۳۶۷.
- یوسفی، غلامحسین، چشمه روشن، علمی، تهران، ۱۳۶۹.
- یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۸.

